



Grave 12 at Chalow: The Burial of a Lady of the “Greater Khorasan Civilization”

Ali A. Vahdati, Raffaele Biscione, Roberto Dan, Marie-Claude Trémouille

Abstract

Grave 12 of Tepe Chalow is the richest burial excavated to date at the site. It is a typical GKC pit grave in which was buried a female adolescent younger than 18 years. In the grave were found 34 objects: 12 typical GKC pottery vases; 4 stone objects of chlorite, white and black stone, serpentine, and lapis lazuli; 13 metal objects of gold, bronze, typical GKC, and two ivory pins.

The burial matches the funeral rituals attested at Chalow. The grave was oriented NE-SW and the body crouched on the right side with the hands near the face, looking toward the SE. Ceramic vessels were placed behind the back of the skeleton, from the head to the feet; there were two pins near the shoulders and two bracelets on the arms; the large vase near the feet contained a significant object. The chlorite objects were grouped near the face of the deceased, and so were the metal objects and ivory pins, with the exception of a small bronze jar and two pins. The beads also were near the face and the neck, probably forming one or more necklaces. Remains of ovid/caprid bones inside a pottery bowl indicate a food-offering for the burial. All of these burial goods and funeral rituals of grave 12 at Chalow have close parallels at many burial grounds of Bactria and Margiana indicating close cultural ties between the area of northern Khorasan with the Bactro-Margiana cultural sphere.

Keywords: Greater Khorasan Civilization (GKC), Bronze Age, Burial, Chalow, Pottery vessel, Chlorite, Bronze objects.

<https://doi.org/10.6084/m9.figshare.14754162>

© 2020 Iran National Museum. All rights reserved

تدفین شماره ۱۲ در چَلو: گور بانویی نجیب‌زاده از تمدن خراسان بزرگ

علی‌اکبر وحدتی^{*}، رافائله بیشونه، روبرتو دن، ماری-کلود ترموی

چکیده

تدفین شماره ۱۲ در چلو در بین گورهایی که تاکنون در این گورستان کاوش شده از همه غنی‌تر است. این تدفین یک گور چاله‌ای ساده و شاخص «تمدن خراسان بزرگ» است و در آن جسد بانویی جوان که زیر ۱۸ سال سن داشته به خاک سپرده شده است. در این گور ۳۴ قلم اشیای تدفینی وجود داشت: ۱۲ پارچه ظرف شاخص «تمدن خراسان بزرگ»، چهار قلم اشیای سنگ صابونی، اشیایی از سنگ سفید و سیاه، سرپانتین و لاجورد، ۱۳ قلم اشیای فلزی و دو سنجاق از عاج. این تدفین از همه جهات مشابه شیوه رایج و غالب در گورستان تپه چلو است. جسد بر شانه راست و به حالت خمیده در جهت شمال شرقی-جنوب غربی دفن شده و صورت به سمت جنوب شرقی است. ظروف سفالی در پشت اسکلت از پشت سر تا زیر پای اسکلت چیده شده و بزرگترین ظرف در زیرپای مرده است که درون آن یکی از هدایای تدفینی مهم قرار داده شده است. مانند معمول، این جسد دو النگو دارد و در یک ظرف بقایای پیشکش خوراکی از گوشت گوسفند/بز وجود داشته است. تمام گورنهادها و آداب تدفینی این گور با تدفین‌های همزمان در منطقه باختر و مرغیانه شباهت بسیار زیادی دارد که حاکی از پیوندهای فرهنگی نزدیک بین شمال خراسان و حوزه فرهنگی باختری-مرویی است.

واژگان کلیدی: تمدن خراسان بزرگ، دوره مفرغ، آداب تدفین، چلو، ظروف سفالی، سنگ کلریت، اشیای مفرغی.

مقدمه

در اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم پیش از میلاد، زندگی پیچیده شهری در مناطق شرقی ایران و آسیای مرکزی رو به افول نهاد و بیشتر استقرارگاه‌های مهم و مراکز شهری به کلی متروک یا وسعت آنها بسیار کوچک شد. همزمان با افول شهر سوخته و مراکز مهم شهری تمدن هاراپا در دره رود سند، مراکز مهم شهرنشینی در شمال شرق ایران همچون تپه حصار، تُرنگ تپه و شاه تپه نیز افول کردند و مدتی بعد در حدود ۱۷۰۰ پیش از میلاد به کلی متروک شدند (وحدتی ۱۳۹۹: ۱۷۲). در شمال فلات ایران، در کوهپایه‌های شمالی کپه داغ در خاک ترکمنستان، واحه دلتای رود مرغاب که تا این زمان خالی از سکنه بود را نخستین بار مردمان شهرنشین اشغال کردند؛ و بعد از افول مراکز چند هزار ساله زندگی همچون نمازگاه و آلتین تپه در حدود ۱۹۰۰/۲۰۰۰ پیش از تاریخ (Kircho 2020: 132)، به دلتای مرغاب روی آوردند و بین ۲۲۰۰/۲۳۰۰ پیش از میلاد با ایجاد شبکه‌های پیشرفته آبیاری و ساخت مراکز مسکونی و دفاعی بزرگ، شهرهای جدیدی در این منطقه پی افکندند (Sarianidi 1990; Lyonnet, Dubova 2020b: 32). ویژگی اصلی این استقرارگاه‌های کشاورزی جدید، پراکندگی آنها در واحه‌های مجزا است. هر واحه چندین استقرارگاه را در خود جای داده که در یک نظام اقماری پیرامون یک شهر مهم و مرکزی با نظام دفاعی پیچیده و قلعه و باروبندی مستحکم شکل گرفته‌اند. بسیاری از جنبه‌های این سنت فرهنگی جدید با فرهنگ نمازگاه ۵ فرق دارد؛ از جمله رواج چشمگیر اشیای شأن‌زا همچون سنگ‌وزنه‌ها، عصاهای قدرت، ستونک‌های سنگی شیاردار، پیکرک‌های ترکیبی زنان نشسته در لباسی پشمین یا مردی دامن‌پوش با صورتی زخم‌خورده، ظروف مرمرین و انواع اشیای فلزی از سیم و زر و مفرغ با شمایل‌نگاری ویژه است که جملگی نشان‌دهنده صنعتگری تخصصی و اقتصاد مبادلاتی در این فرهنگ است. مواد فرهنگی این دوره در بخش‌های وسیعی از آسیای مرکزی در خاک کشورهای کنونی ازبکستان، تاجیکستان، شمال افغانستان (منطقه باختر) و ترکمنستان (مرگیانه) به قدری به هم شباهت دارد که ویکتور ساریانیدی و نادژدا دوبوا معتقدند مناطق باختر (بلخ) و مرگیانه (مرو) در دوره مفرغ از هم جدا نبوده و هویت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی واحدی داشته‌اند و از همین رو این پدیده فرهنگی را «مجموعه باستان‌شناختی بلخ و مرو» (به روسی: Бактрийско-Маргианский археологический комплекс) نامیده‌اند (Sarianidi, Dubova 2013: 120). هانری-پل فرانکفورت نیز این مجموعه باستان‌شناختی را «تمدن جیحون» نامیده که به همگونی فرهنگی سرزمین‌های اطراف آمودریا اشاره دارد (Francfort 1994).

این مجموعه باستان‌شناختی و گونه استقرار جدید که در توالی فرهنگی جنوب ترکمنستان به دوره نمازگاه ۶ مربوط است، تا چند دهه پیش فقط در واحه‌های بیابانی جنوب آسیای مرکزی همچون واحه‌های گنور، تَغْلُق و طاهریبی در دلتای قدیم مرغاب (در مرگیانه) و واحه‌های داشلی، ساپالی و جارکوتان در دلتاهای آبرفتی آمودریا (در باختر) شناخته شده بود (Vidale 2017). مردمان شهرنشین این منطقه نه تنها با جوامع کوچروی استپ‌های شمالی آسیای مرکزی (فرهنگ آندرونوو-تازه‌باغیاب) داد و ستد می‌کردند، بلکه با مناطق وسیعی از دره رود سند و سیستان و کرمان در شرق گرفته تا سواحل خلیج فارس در جنوب و شوش و میانرودان در غرب ارتباط داشتند که آثار آن را می‌توان در مواد فرهنگی ویژه و کالاهای شأن‌زا و شاخص این تمدن در بستر فرهنگ‌های محلی مذکور شاهد بود (Lyonnet, Dubova 2020: 15-17).

پراکندگی و حضور انواع مختلف اشیای روزمره، آیینی یا کالاهای شأن‌زای این فرهنگ شهری در مناطق وسیعی از آسیای مرکزی و جنوب غربی، نشان‌دهنده چند مدل مختلف گسترش است که به تازگی بررسی و تحلیل شده‌اند (وحدتی و بیشونه ۱۴۰۰: Biscione, Vahdati 2020). این بررسی‌ها که بر مبنای چندین سال فعالیت میدانی در شرق ایران، به ویژه در خراسان، انجام شده به روشنی نشان می‌دهد قلمروی این فرهنگ پیشرفته شهری به واحه‌های بیابانی اطراف دلتای قدیمی مرغاب در ترکمنستان کنونی و دشت‌های آبرفتی اطراف آمودریا در کشورهای کنونی افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان محدود نبوده و مناطق وسیعی از شرق ایران را هم دربر می‌گرفته است (Biscione, Vahdati 2020: 542-543). این قلمرو تقریباً با حدود و ثغور «خراسان بزرگ» در دوره ساسانی و اوایل اسلام منطبق است و از آنجا که خراسان بزرگ در طول تاریخ هویت مستقلاً داشته که پس از پایان هزاره ۳ و اوایل هزاره ۲ پیش از میلاد با سنت خاص سفال دست ساز منقوش «نوع یاز» در دوره آهن تدویم یافت و حتی تا دوره هخامنشی و تا حدی در اوایل دوره اسلامی نیز هویت و جایگاه یکتای خود را حفظ کرد؛ می‌توان بقایای فرهنگ پیشرفته شهری در این مناطق را «تمدن خراسان بزرگ» نامید (Biscione, Vahdati 2020: 543).

پراکندگی و مشخصات کلی مکان‌های مربوط به تمدن خراسان بزرگ در شرق ایران در جای دیگر مورد بحث قرار گرفته است (Biscione, Vahdati 2020). باوجود این هنوز جزییات زیادی در باب کارکرد استقرارگاه‌ها، سازمان فضایی، فنون معماری و آداب تدفین تمدن خراسان بزرگ در مناطق شرقی ایران ناشناخته باقی مانده است. تاکنون بیشتر مواد فرهنگی

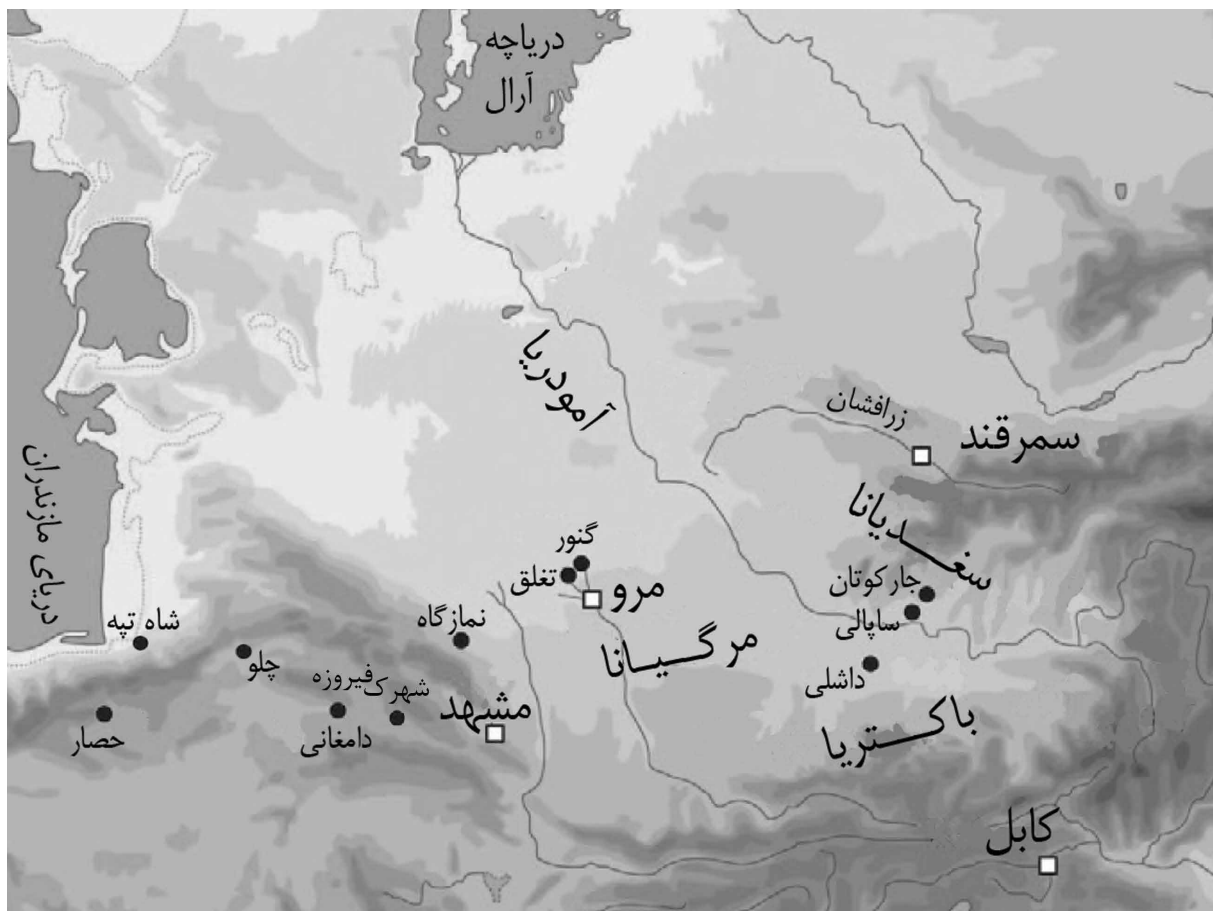
تپه در دامنه جنوبی کوه‌های سالوک-آلاداغ (جزو سامانه البرز شرقی)، بر بستری متشکل از رسوبات گل‌ولای یک دریاچه کهن از دوران میوسن شکل گرفته است. با وجود اقلیم خشک تا نیمه خشک منطقه و همجواری با کویر، اراضی اطراف چلو به دلیل قرار گرفتن بر زبانه انتهایی دلتای قدیمی رود دربند و مجاورت با مخروطه افکنه کوهستانی دره قلّی - که احتمالاً در هزاره‌های ۳ و ۴ پیش‌ازمیلاد آب کافی برای آبیاری زمین‌های اطراف چلو هم داشته-، زمینه‌ای مناسب برای کشاورزی و توسعه استقرارگاه داشته است.

تپه چلو از مجموعه‌ای پشته‌های کوتاه اما وسیع تشکیل شده که در بلندترین نقاط حدود ۲ متر از زمین‌های دشتی و هموار مجاور بلندتر است و روی هم‌رفته بیش از ۴۰ هکتار وسعت دارد. تپه چلو از نظر شکل‌گیری برخلاف بسیاری از استقرارگاه‌های باستانی ایران به صورت افقی رشد کرده و لایه‌نگاری عمودی ندارد. گسترش این استقرارگاه به صورت افقی شاخص مناطق واحه‌ای همچون دشت سیستان در جنوب شرقی ایران و دلتای قدیمی رودخانه مرغاب در ترکمنستان است که در آنها استقرارگاه‌ها به دنبال جابجایی بستر رودها و منابع آب تغییر مکان می‌دهند (وحدتی و همکاران ۱۳۹۷: ۶۷). به نظر

مربوط به این تمدن در شرق ایران از بافت‌ها تدفینی و به همراه مواد فرهنگی محلی به دست آمده که باوجود مشابهت‌های کلی، بسته به مناطق قرارگیری (منطقه شکل‌گیری، منطقه مرکزی، منطقه گسترش، منطقه نفوذ) ویژگی‌های متفاوتی را نشان می‌دهند (Ibid.: 547-531, 541-544). در شمال شرقی ایران، تاکنون بیشترین حجم مواد فرهنگی این تمدن در کاوش گورستان‌های شهرک فیروزه در دشت نیشابور و تپه چلو در دشت جاجرم پیدا شده که به ترتیب در «منطقه شکل‌گیری» و «منطقه گسترش» قرار گرفته‌اند. در این مقاله پس از معرفی اجمالی تپه چلو، به عنوان یکی از مهمترین مراکز تمدن خراسان بزرگ در دشت جاجرم، آداب تدفین در گورستان این مکان باستانی مرور شده و یکی از غنی‌ترین تدفین‌های این گورستان معرفی شده است.

تپه چلو

تپه چلو در انتهای شرقی دشت جاجرم، در نزدیکی شهر سنخواست و در مختصات ۵۶ درجه و ۵۳/۷ دقیقه و ۷۸ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۷ درجه و ۷۸ ثانیه عرض جغرافیایی در ارتفاع ۹۸۵ متر بالاتر از سطح دریا قرار گرفته است (تصویر ۱).



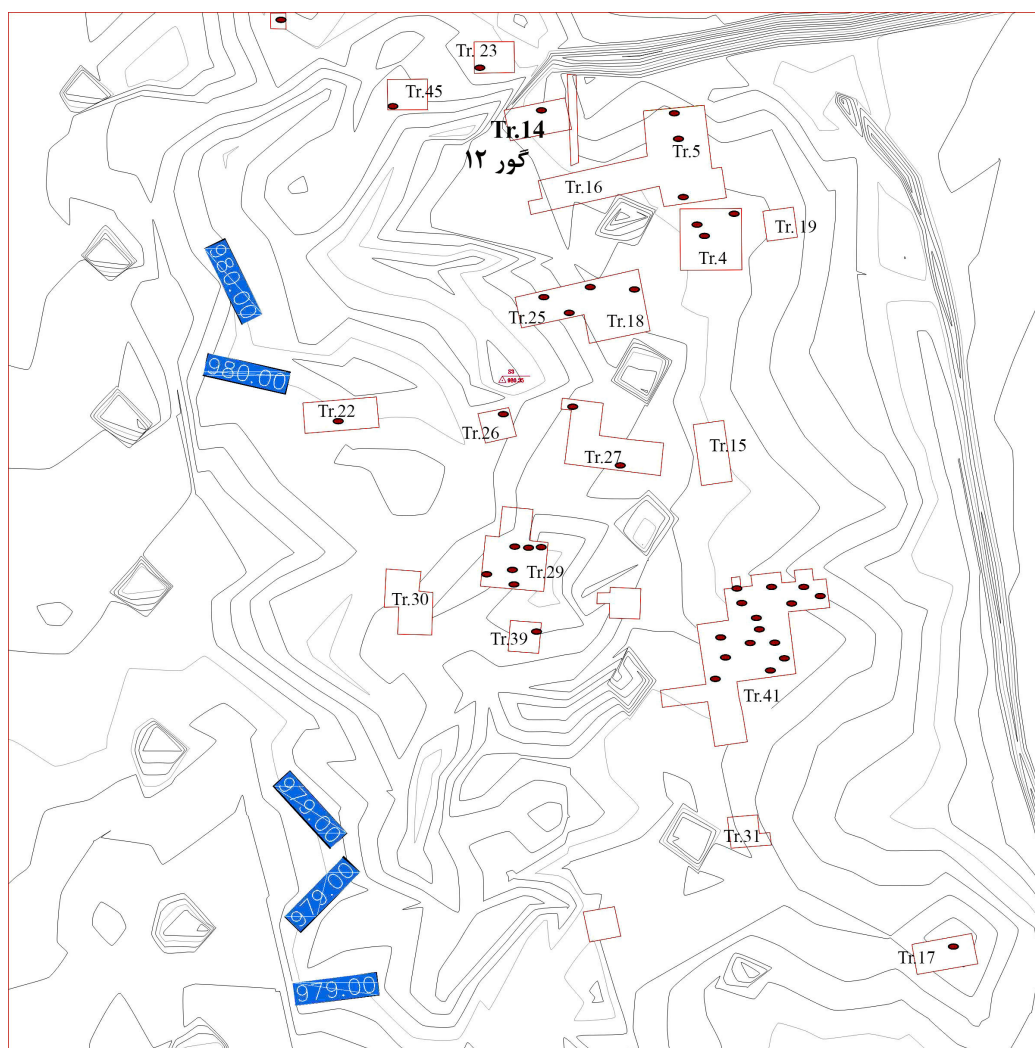
تصویر ۱. موقعیت تپه چلو و استقرارگاه‌های همزمان آسیای مرکزی که در متن به آنها اشاره شده است.

وسیع‌تری از سفال‌های قرمز و نخودی منقوش نوع اواخر دوره ۱ حصار و اوایل حصار ۲ و نیز سفال قرمز منقوش نوع شاه‌تپه ۳ (قرمز با نقوش سیاه نوع کاسپی) و سفال خاکستری براق با تزیینات شاخصی همچون نقوش کهنه زیگزاگی یا خطوط کهنه موج، نوارهای برجسته یا نقوش برجسته دکمه‌ای مشابه سفال شاه‌تپه ۳ و ۲ ب حاکمی از آن است که سکونت در چلو مدتی پیشتر، از میانه هزاره ۴ پیش از میلاد آغاز شده است. باتوجه به محدودیت سطح کاوش در بخش‌های شرقی تپه، تاکنون آثار معماری این مرحله استقرار از بخش شرقی تپه پیدا نشده است. آثار اواخر این مرحله در بخش غربی شامل محدوده‌های انباری با خمره‌های بزرگ ذخیره آذوقه و بقایای معماری دستکند و نیمه‌بزمینی و چاله‌های کوچک و بزرگ مستطیلی در اطراف آنهاست که دو نمونه تاریخ رادیو کربن از ترانشه ۴، تاریخ کالیبره شده (۹۵.۴٪) بین ۲۴۷۹-۲۶۷۶ پیش از میلاد را برای این فضاها نشان داده است (Vahdati et al. 2019, table 1). در زیر سطح انبارها و فضاهای نیمه‌بزمینی،

می‌رسد مسیر رودخانه در بند در سده‌های پی‌درپی به تدریج از شرق به غرب تغییر مکان داده و استقرارگاه نیز به دنبال آن جابه‌جا شده است. بررسی تصویرهای ماهواره‌ای نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

قدیمی‌ترین سفال‌های چلو که مربوط به دوره مس‌سنگی هستند در شرقی‌ترین بخش‌های محوطه پیدا می‌شود و هرچه به سمت غرب برویم سفال‌ها جدیدترند. در نیمه غربی محوطه، یک گورستان مربوط به دوره مفرغ میانی با فرهنگ شاخص نمازگاه ۶ پیدا شده است.

بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی حاکمی از وجود دو مرحله استقرار در تپه چلو است: دوره مس‌سنگی پایانی-مفرغ قدیم و دوره مفرغ میانی. مواد فرهنگی دوره مس‌سنگی پایانی-مفرغ قدیم بیشتر از مناطق شرقی تپه پیدا شده و یک نمونه تاریخ رادیو کربن از لایه‌های بالایی ترانشه ۱ تاریخ کالیبره شد (۹۵.۴٪) بین ۳۳۳۷-۳۲۰۸ پیش از میلاد را نشان می‌دهد (Vahdati et al. 2019: 186). باوجود این حضور طیف



تصویر ۲. توپوگرافی گورستان تپه چلو و محل قرارگرفتن گور ۱۲ و سایر گورهای کاوش شده.

روی هم رفته در چهار فصل کاوش ۳۸ گور مربوط به مرحله تمدن خراسان بزرگ در گورستان تپه چَلو پیدا شد. الگوی پراکندگی گورها در گورستان به‌نحوی است که در آن گورها به‌صورت خوشه‌های مجزا با چندین متر فاصله از هم قرار دارند. بین بعضی گورها ۱۰ تا ۱۵ متر فاصله است و در بعضی جاها فاصله گورها از هم به ۱ تا ۳ متر می‌رسد. این الگوی پراکندگی گورها بسیار مشابه بعضی گورستان‌های سده اخیر در بعضی مناطق روستایی خراسان است که در آنها هر طایفه یا خانواده گور افراد خود را در یک محدوده مجزا ایجاد می‌کنند. باتوجه به شدت بالای فرسایش و از بین رفتن لایه‌های بالایی گورستان مشخص نیست آیا هر مجموعه گور یا تمام گورستان در داخل دیواری محصور بوده یا نه. سنت محصور کردن گورستان با دیوارک‌های گلی یا سنگی در برخی گورستان‌های دوره آهن لرستان مرسوم بوده (Vanden Berghe 1973: 3) و هنوز هم در بسیاری از روستاهای ایران مشاهده می‌شود اما تاکنون در گورستان‌های مربوط به تمدن خراسان بزرگ در آسیای مرکزی و ایران گزارش نشده است.

بقایای انسانی گورستان چَلو در سال ۱۳۹۲ توسط فرناز خطیبی (گزارش منتشر نشده) و در سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۵ توسط ارکادیوش سولتیسیاک بررسی شد (Soltysiak et al. 2016). مطالعه مقدماتی اسکلت‌های انسانی در چَلو نشان می‌دهد سنت‌های خاکسپاری در دو دوره شناسایی شده در گورستان چَلو با هم فرق دارد. در دوره قدیم‌تر (مس‌سنگی-مفرغ قدیم) تدفین افراد نابالغ نسبت به دوره جدیدتر (تمدن خراسان بزرگ) بسیار بیشتر است. به عبارت دیگر از ۱۷ اسکلت بررسی شده مربوط به تمدن خراسان بزرگ فقط یکی مربوط به کودکی ۱۱-۱۰ ساله بود اما از ۱۵ اسکلت مربوط به دوره مس‌سنگی-مفرغ قدیم ۶ اسکلت متعلق به نوزادان/کودکان است (Soltysiak et al. 2016: 92-93).

در مرحله اول استقرار، اسکلت‌ها به صورت انفرادی و به حالت کاملاً جمع شده با جهات مختلف در گورهای چاله‌ای ساده دفن شده‌اند. معمولاً در گورها یا هدایای تدفینی قرار نداده‌اند یا فقط یک تا چهار ظرف از جنس سفال خاکستری با چند شکل محدود در کنار مرده گذاشته‌اند.

در مرحله بعدی استقرار، همزمان با رواج تمدن خراسان بزرگ در چَلو، آداب تدفین نه تنها از نظر کاهش اساسی تدفین افراد نابالغ بلکه از جهات دیگر هم نسبت به دوره پیش تغییر کرد: در بیشتر گورها اجساد را به شانه راست، به حالت خمیده به خاک سپرده‌اند اما میزان خمیدگی جسد از گوری به گور دیگر فرق دارد؛ هرچند به‌طور کلی اجساد نسبت به دوره قبل کمتر خمیده هستند. برخلاف دوره قبل که اسکلت‌ها در جهت

تعدادی گور مربوط به دوره مس‌سنگی پایانی/مفرغ قدیم و در سطح بالاتر، یک گورستان وسیع مربوط به تمدن خراسان بزرگ (دوره مفرغ میانی) پیدا شده است.

مواد فرهنگی دوره مفرغ میانی در تمام سطح تپه چَلو پراکنده است و شامل طیف وسیعی از سفال، ظروف سنگی و اشیای مفرغی است که اغلب در اثر خاکبرداری، شخم اراضی و فرسایش بادی در سطح نمایان شده‌اند. مواد فرهنگی این دوره از نوع شاخص دوره نمازگاه ۶ یا همان سفال تمدن خراسان بزرگ و شامل طیف وسیعی از سفال‌های نخودی و نارنجی ساده و به‌ندرت با نقش‌کنده با شکل‌های شاخص و رایج در واحه‌های باختر و مرگیانه، مقداری سفال خاکستری، انواع کالاهای شأن‌زا و شاخص همچون ستون‌چه‌های سنگی شیردار، وزنه‌های سنگی دسته‌دار، عصاهای سنگی، انواع ظروف کلریتی و مرمیرین و اشیای مفرغی همچون رزم‌افزار، مهرهای مشبک و سنجاق‌های تزئینی است که نمونه‌های مشابه آن در بخش‌های وسیعی از خراسان بزرگ پیدا شده است. باتوجه به تسطیح گسترده، خاکبرداری و شخم اراضی تپه چَلو، حجم اصلی لایه‌های استقرار این دوره از بین رفته و تمام این اشیاء از بافت‌های تدفینی پیدا شده است. کاوش در گورهای تمدن خراسان بزرگ در گورستان تپه چَلو جلوه‌های تازه‌ای از آداب تدفین و فرهنگ و هنر مردمان دوره مفرغ در این بخش از خراسان را نمایان ساخته است. در ادامه ضمن مرور آداب خاکسپاری تمدن خراسان بزرگ در تپه چَلو، به معرفی جزییات یکی از مهم‌ترین گورهای کاوش‌شده در این گورستان پرداخته‌ایم.

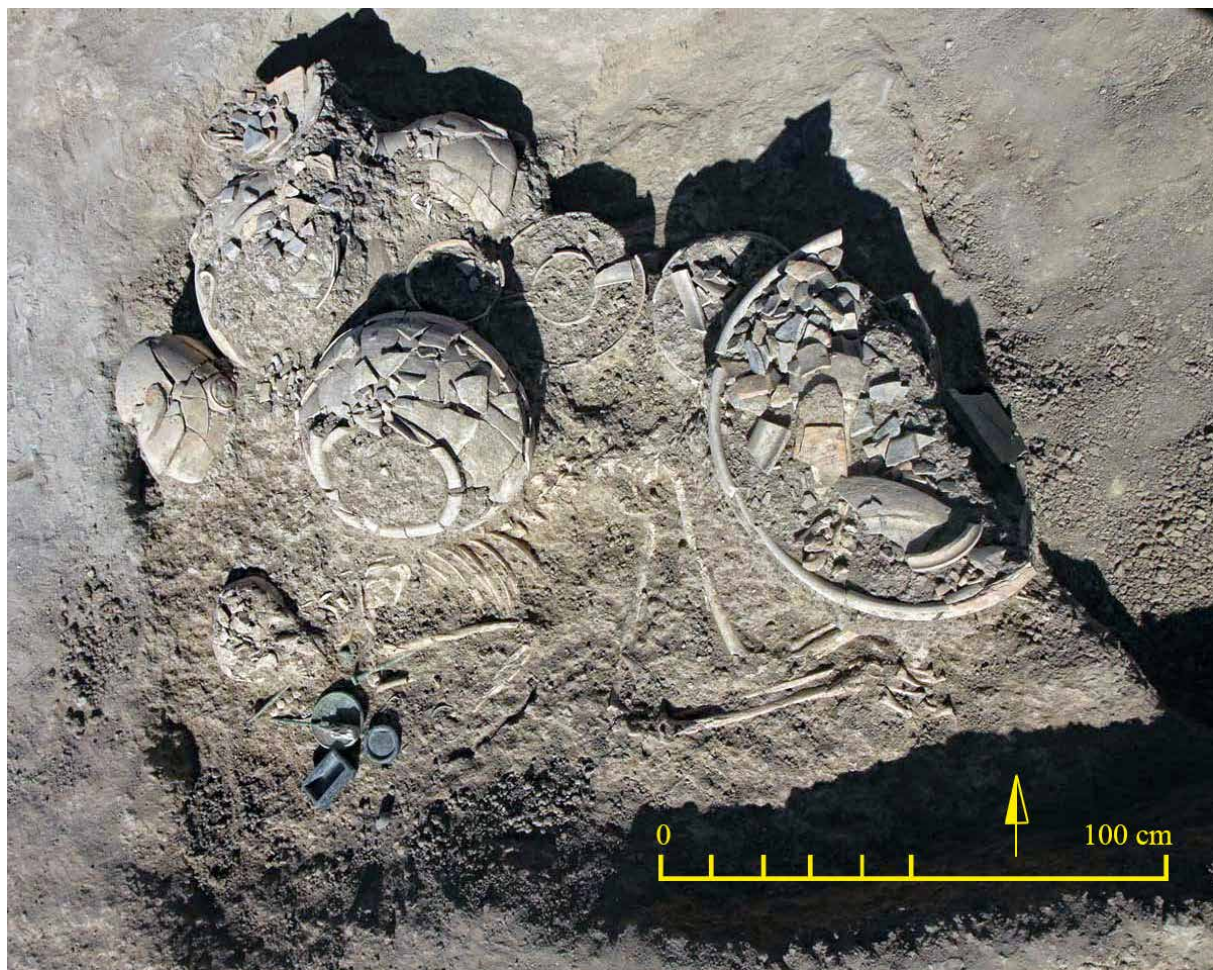
آداب تدفین در چَلو

گورستان تمدن خراسان بزرگ در چَلو در نیمه غربی این محوطه، در بین چندین رشته قنات موازی قرار گرفته است (تصویر ۲). در زمان حفر گورهای این دوره، بخشی از لایه‌های باستانی قدیمی‌تر تخریب‌شده و در خاکی که چاله گورها را پر کرده، قطعات سفال مربوط به دوره مس‌سنگی پایانی و مفرغ قدیم هم پیدا می‌شود. باوجودی که بخش غربی تپه به دلیل رعایت حریم قنات در سال‌های گذشته کمتر شخم و تسطیح شده، شدت فرسایش بادی در اینجا به قدری بوده که گورها در فاصله بسیار نزدیک به سطح پیدا می‌شوند و ساختار گورها نامشخص است. به‌طور میانگین گورها حدود ۲۰ سانتی‌متر زیر سطح کنونی زمین پیدا می‌شوند اما در برخی موارد اسکلت و محتویات گورها به کلی از خاک بیرون آمده و به شدت هوازده و غیرقابل بازیابی است. همین وضع در مورد خمره‌های آذوقه که در فضاهای انباری دوره مفرغ قدیم پیدا می‌شود هم وجود دارد.

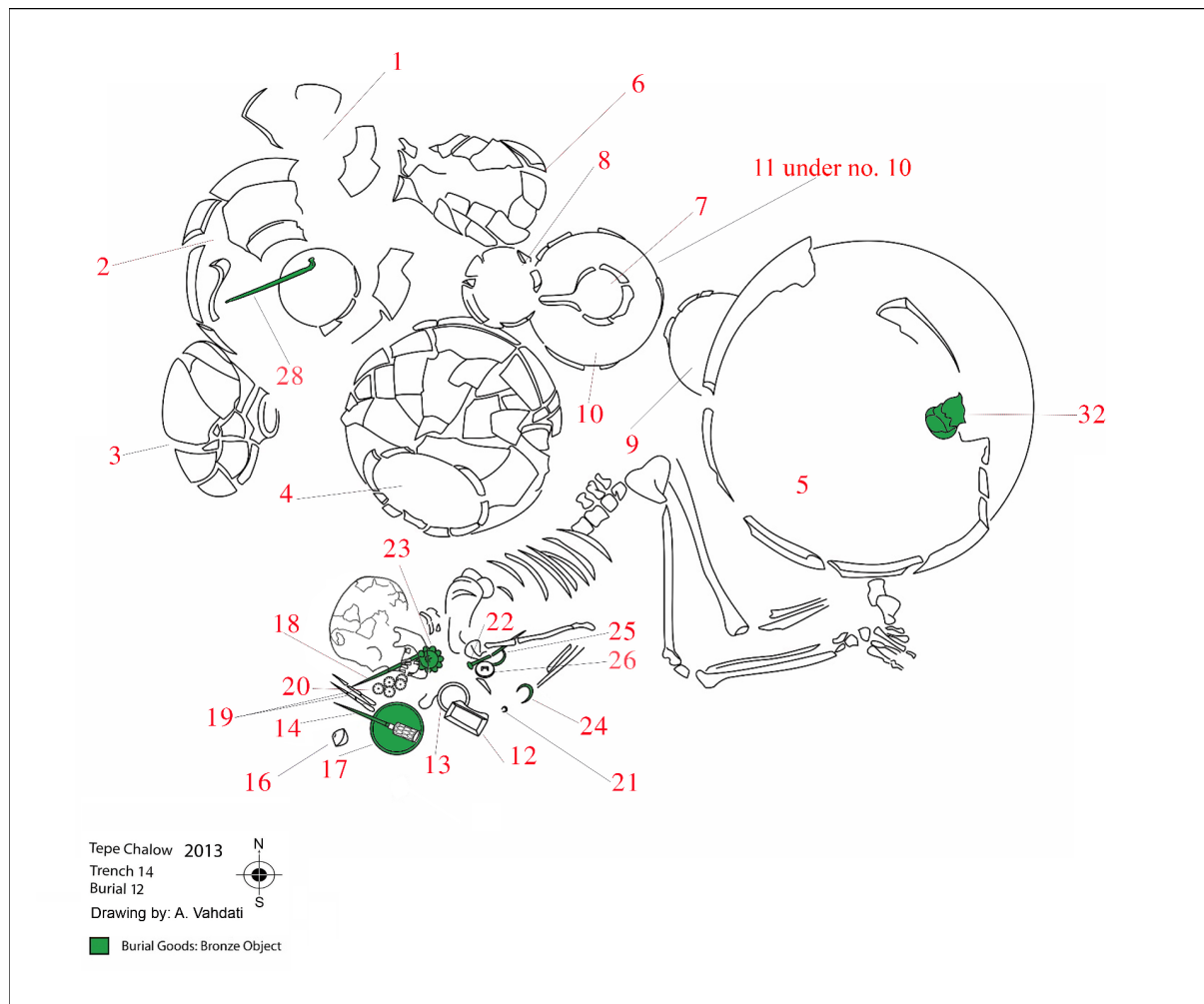
است. به صورت منظم در چندین گور مجموعه‌های بز/گوسفند، استخوان‌های دست و پا و بخش‌هایی از ستون فقرات این حیوانات درون ظروف سفالی پیدا شد. به علاوه، در چند گور در کنار ظروف سفالی شاخص و معمول، یک ظرف دودزده و خشن هم پیدا شد که بقایای مواد غذایی در آن وجود داشت. در بیشتر ظروف آثار استفاده دیده نمی‌شود که نشان می‌دهد این ظروف در زندگی روزمره استفاده نشده و احتمالاً از ابتدا به عنوان هدایای تدفینی تولید شده‌اند. جالب است بدانیم در گورستان گنور وضع بدین منوال نبوده و در کف بیشتر ظروف سفالی علائم فرسایش دیده می‌شود و مشخص است پیش از اینکه به عنوان هدایای تدفینی در گور گذاشته شوند، از آنها استفاده می‌شده است (Sarianidi 2007: 53).

هدایای تدفینی متنوع‌اند و شامل گونه‌های مختلف ظروف سفالی، ظروف و اشیای مفرغی، سنگی، استخوانی از جمله مهرهای مسطح، زیورآلات، رزم افزار و حتی مهره‌های بازی می‌شوند. هدایای تدفینی زنان و مردان با هم فرق دارد و معمولاً گور زنان غنی‌تر است. در گور زنان معمولاً لوازم آرایش

ثابتی دفن نمی‌شد، در این دوره بیشتر اسکلت‌ها در جهت شرقی-غربی دفن شده و صورت آنها به سمت جنوب شرق است. وضعیت دست‌ها تقریباً ثابت و به صورت جمع شده در جلوی صورت یا سینه است که در بعضی موارد ظرفی را نگه داشته است. در بیشتر موارد، صرف نظر از جنسیت فرد دفن شده، در مچ او یک جفت (یا حداقل یکی) انگوی مفرغی و در نزدیک شانه و سر یک یا دو سنجاق مفرغی وجود داشت. گورهای این دوره نسبت به دوره قبل بسیار غنی‌تر و تعداد هدایای تدفینی بین ۶ تا ۳۴ ظرف متغیر است. هدایا اغلب در اطراف سر یا زیر پای اسکلت گذاشته شده است. در بعضی جاهای گورستان (بخش شمالی) معمولاً یک ظرف بزرگ در زیر پای مرده قرار داده‌اند که بعضی اشیای مهم مثل مهر یا ظروف فلزی را درون این ظرف بزرگ گذاشته‌اند. در گور شماره ۴ (ترانشه ۴) درون این ظرف بزرگ یک مهر سنگی و در گور شماره ۱۲ (ترانشه ۱۴) یک جام مفرغی گذاشته بودند. در بیشتر گورها برای مردگان علاوه بر اشیای تدفینی، پیشکش خوراکی هم گذاشته‌اند که شامل گوشت حیوانات



تصویر ۳. نمای کلی گور شماره ۱۲ و موقعیت هدایای تدفینی نسبت به اسکلت.



تصویر ۴. طرح از گور شماره ۱۲ و موقعیت اشیای دفن‌شده همراه با شماره شیء.

انسان یا گورهایی که در آنها یک فرد دفن‌شده از همه رایج‌تر است. به‌جز دو گور (گور شماره ۱۰ و ۲۰) که در آنها جسد به شانه چپ و برخلاف معمول با جهت شمالی-جنوبی با صورت به سمت غرب دفن شده و در کنار آنها هیچ هدایای تدفینی وجود ندارد، در سایر گورها شمار زیادی اشیای تدفینی گذاشته‌اند. یکی از غنی‌ترین گورها، تدفین شماره ۱۲ است که در ادامه به تفصیل از آن بحث شده است.

تدفین شماره ۱۲

تدفین شماره ۱۲ در سال ۱۳۹۲، در دومین فصل کاوش‌های تیم مشترک ایران-ایتالیا در تپه چلو، در ترانسه ۱۴ پیدا شد. ترانسه ۱۴ در بخش شمال‌غربی گورستان و در نزدیکی آبکندی قرار گرفته که در سیلاب‌های اخیر ایجاد شده است. بخشی از هدایای تدفینی این گور (لاوک سفالی و جام مفرغی درون آن) پیش از کاوش ترانسه در برش آبکند دیده می‌شد. باوجودی که این بخش از گورستان به دلیل نزدیکی به رشته‌های قنات شخم و تسطیح نشده، به دلیل شدت فرسایش طبیعی، اسکلت

و تزیینات شخصی مثل سرمه‌دان‌ها، آئینه‌های مفرغی، ظروف آرایشی و زیورآلات وجود دارد. احتمالاً تصادفی نیست که گور زنان در واحه‌های باختر و مرگیانه هم از گور مردان «غنی‌تر» است (Aleksin 1986: 28; Biscione, Bondioli 1989: 63-64 fig. 3; Sarianidi 2007: 52; Luneau 2008: 139-141, 147). این موضوع بیانگر پایگاه اجتماعی زنان در جوامع موردنظر باشد. آیا امکان دارد فراوانی پیکرک‌های ترکیبی زنانه در این دوره که به «شهابانوی باختری» مشهورند، بازتاب همین پایگاه اجتماعی باشد؟

باوجودی که گونه‌شناسی ساختار گورهای چلو در دوره رواج تمدن خراسان بزرگ به دلیل حجم زیاد فرسایش هنوز به‌خوبی روشن نیست و ممکن است محدود به گورهای چاله‌ای ساده باشد، اما ۵ گونه تدفین مجزا در این گورستان قابل شناسایی است که عبارتند از ۱-تدفین‌های انفرادی انسان، ۲-تدفین حیوان، ۳-تدفین مشترک انسان و حیوان، ۴-تدفین‌های ثانوی (اسکلت درهم‌ریخته)، ۵-تدفین‌های بدون اسکلت یا تدفین‌های یادبودی. در این بین تدفین‌های انفرادی



تصویر ۵. نمای نزدیک از ظروف سنگ صابون و برخی اشیای مفرغی در اطراف سر تدفین شماره ۱۲.

تمرکز دارند. اشیای درشت شامل انواع مختلف ظروف سفالی در پشت سر و زیرپاها و اشیای کوچک و تزیینی در جلوی سر و صورت اسکلت قرار داده شده است (تصاویر ۴-۵). تمام ظروف سفالی داخل گور در اثر فشار زیاد کاملاً در هم شکسته و خرد شده بود. این وضعیت تا حدی به دلیل خاصیت مکانیکی خاک بستر است که ترکیبات آن در برابر شرایط محیطی، به ویژه رطوبت، بسیار حساس است و پیوسته در معرض انقباض و انبساط قرار دارد.

مجموعه اشیاء تدفینی این گور شامل ۱۲ پارچه ظرف سفالی با شکل و اندازه‌های مختلف، سه ظرف از جنس سنگ صابون (کلریت) مربوط به لوازم آرایش، یک گردنبند از سنگ‌های رنگارنگ (سبز، لاجوردی، سفید و سیاه)، یک زیور پیچیده متشکل از شش صفحهٔ مدور کوچک از سنگ سفید با لبه‌های حک شده به شکل گلبرگ، یک سردوک دومیخروطی از کلریت، یک آیینۀ مفرغی مدور، چهار سنجاق مفرغی با اندازه و شکل‌های مختلف، دو میله از جنس عاج، یک حلقهٔ انگشتر و یک جفت گوشوارهٔ طلا، دو النگوی مفرغی، یک مهر مشبک مفرغی، یک مهر دکمه‌ای شکل سنگی و یک جام مفرغی است.

و اشیای تدفینی در ۱۵ سانتی‌متری از سطح زمین پیدا شد. از همین رو، به جز بخش کوچکی از دیوارهٔ گور در ضلع شمالی که در یک لایهٔ خاکستر حفر شده و به خوبی از خاک اطراف متمایز بود، در سایر بخش‌ها اثری از چالهٔ گور مشخص نشد و ساختار گور را به خوبی نمی‌شناسیم. هر چند به احتمال زیاد این گور از نوع تدفین‌های چاله‌ای ساده و تقریباً بیضی‌شکل است و در ساخت آن خشت به کار نرفته است.

در این گور اسکلت در جهت شمال شرقی-جنوب غربی، به حالت نسبتاً خمیده و بر شانهٔ راست دفن شده؛ در حالیکه صورت به سمت جنوب شرقی است (تصویر ۳). زانوها با زاویهٔ ۹۰ درجه خمیده، ران راست و چپ نسبت به ستون فقرات به ترتیب ۶۰ و ۸۰ درجه زاویه دارند. هر دو دست مرده در جلوی سینه جمع شده و شاید یک یا چند قلم از اشیای جلوی صورت را نگه داشته است. بررسی‌های انسان‌شناسی نشان داده این اسکلت متعلق به بانوی جوان و نسبتاً بلند قامتی است که در زمان مرگ کمتر از ۱۸ سال سن داشته و همراه با انبوهی هدایای تدفینی به خاک سپرده شده است.

مجموعاً ۳۴ قلم اشیای تدفینی در اطراف اسکلت گذاشته شده که در جلوی صورت، پشت و زیر پاها اسکلت



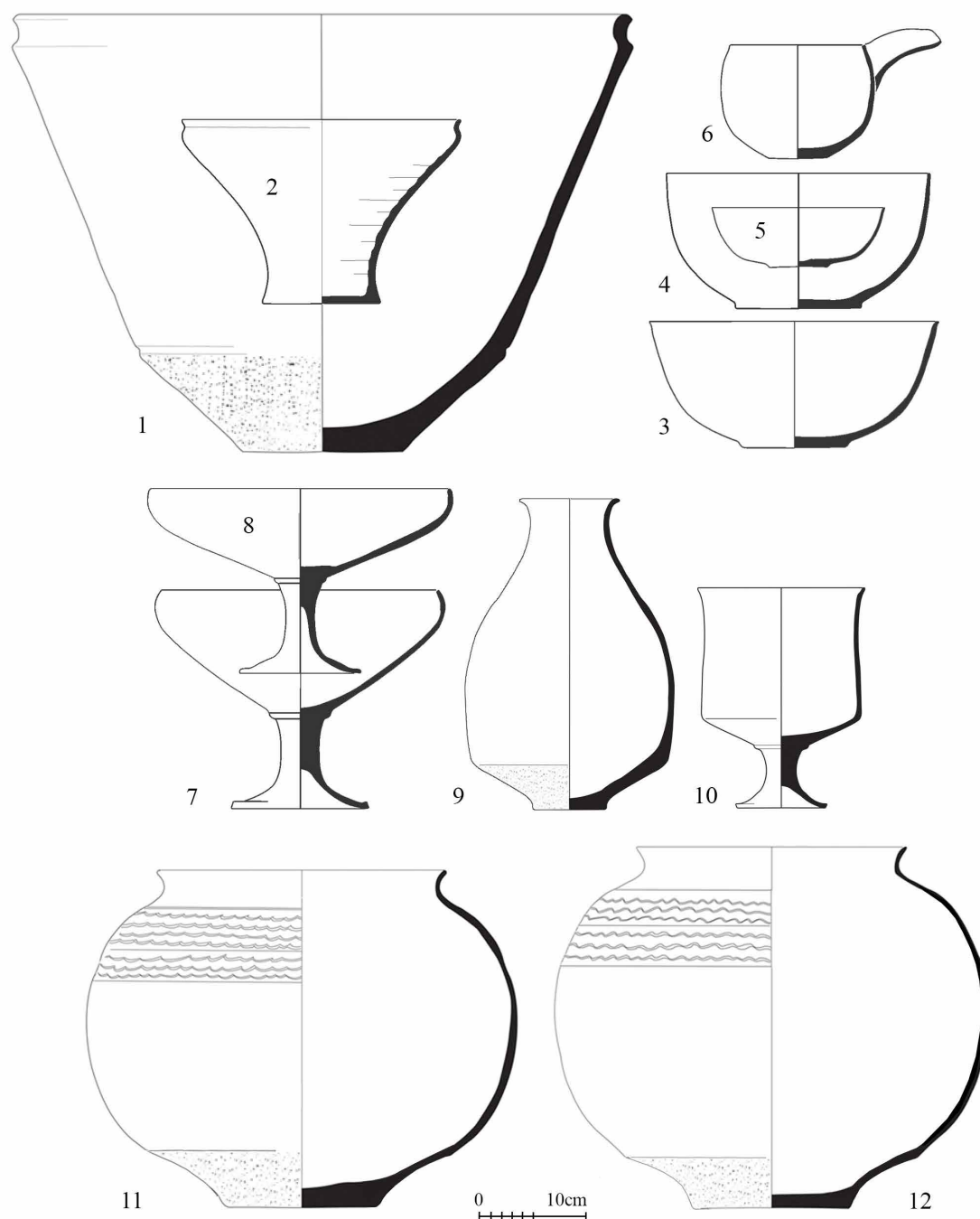
تصویر ۶. مجموعه ظروف سفالی دفن شد در گور شماره ۱۲، ترانشه ۱۴، تپه چلو.

ظروف سفالین

تمام ظروف سفالین این گور با شکل‌های رایج و سنت‌های سفالگری شناخته‌شده در فرهنگ نمازگاه ۶ در مناطق مختلف خراسان بزرگ ساخته شده و نمونه‌های مشابه آنها به‌ویژه در محوطه‌هایی همچون ساپالی، جاركوتان و داشلی در منطقه باختر، گنور و تَغَلَق در منطقه مرگیانه و مناطق نفوذ تمدن خراسان بزرگ در جنوب‌شرقی ایران همچون تپه یحیی و خوراب پیدا شده است (نک. جدول ۱، کاتالوگ سفال). ظروف سفالی دفن‌شده به همراه مرده عبارتند از یک لاوک با کف قالبی و یک کاسه مخروطی شکل که در زیر پاهای اسکلت قرار داده شده، سه کاسه گود با بدنه نیم‌کروی و کف تخت، یک کاسه آبریزدار با بدنه نیم‌کروی، دو کاسه با پایه شیپوری شکل، یک جام پایه‌دار با بدنه استوانه‌ای، دو خمچه با بدنه کروی و یک سیوی گلابی‌شکل با کف قالبی که همه در پشت اسکلت چیده شده‌اند (تصاویر ۶-۷). در داخل یکی از کاسه‌های پایه-

شیپوری (تصاویر ۶-۷، ش. ۸) چند قطعه استخوان بلند بز/گوسفند وجود داشت که احتمالاً بقایای پیشکش خوراکی برای مرده است.

تمام سفال‌ها در این گور خمیره نخودی یا آجری رنگ دارند و جز دو نمونه که با نقش‌کنده تزیین شده، همه ساده و بدون تزیین هستند. لکه‌های بزرگ مدور و قرمز رنگ بر زمینه نخودی لاوک و کاسه مخروطی که احتمالاً به‌صورت عمودی با حرارت کوره ایجاد شده هم شاید نوعی تزیین باشند (تصویر ۶، ش. ۱-۲). این نوع لکه‌های قرمز روی زمینه نخودی روی برخی سفال‌های تدفینی در گورهای دیگر چلو هم وجود دارد. تزیین نقش‌کنده روی شانه دو خمچه حک شده و عبارت است از دو نوار افقی موازی که درون هر یک با چند ردیف خطوط موازی موج پر شده است (تصویر ۷، ش. ۱۱-۱۲). تزیین نقش‌کنده با نقوش هندسی همچون مثلث‌های آویزان با هاشورهای مورب یا متقاطع و خطوط موج در داخل نوارهای



تصویر ۷. طرح ظروف سفالی دفن شد در گور شماره ۱۲، ترانشه ۱۴، تپه چلو.

(fig. 13; Sarianidi 2016: 340, fig. 4; Hiebert 1992, fig. 4.21, 3.B.2 پیدا شده است. از قرار معلوم تزیین با نقش‌کننده به ویژه در مراحل پایانی تمدن خراسان بزرگ و شاید در اثر تماس با اقوام استپ و صاحبان سنت سفالی «آندرونوو» در آسیای مرکزی رواج بیشتری یافته و در محوطه‌هایی چون کنگورتوت (Luneau 2010: fig. 2b, 1; Vinogradova et al. 2008: 377, fig. XXIX مزارات تپه ۵ (fig. 13, 6, 32, 5) (Luneau 2010: 51, 61) پایانی جارکوتان (Luneau 2010: 56-57, fig. 22, 1; fig. 24, 2-3)

خطوط افقی در چند گور دیگر در چلو، از جمله گورهای شماره ۴ و ۴۸ و قطعات سفال پراکنده هم پیدا شده است (Vahdati, Biscione 2021/in print-a, fig. 18). این نوع تزیین اغلب روی شانه‌ها خمره‌ها ایجاد شده و با وجودی که زیاد رایج نیست، اما در چندین محوطه مربوط به تمدن خراسان بزرگ در ایران و آسیای مرکزی از جمله در گوند فردوس (فرجامی ۱۳۹۵: ۴۷۸، تصویر ۳)، جارکوتان در باختر شمالی (Teufer 2015: 622)، گنور و طاهربای در مرگیانه (Sarianidi 1981, Taf. 244, no. 7)

ردیف	شماره شیء	توصیف	مقایسه
۱	۵	لاوک بزرگ مخروطی با کف قالبی، خمیره قرمز آجری، پوشش نخودی روشن، لکه قرمز حرارت روی قسمت پایین بدنه (تزیین؟)، قطر دهانه ۵۸ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Sarianidi 1990: Tab. XVCI, 4
۲	۹	کاسه مخروطی‌شکل، خمیره قرمز آجری، پوشش نخودی روشن، لکه قرمز حرارت روی بدنه، قطر دهانه ۲۵ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Francfort 1989: 354, fig. 36, D3-45; Sarianidi 1990, Tab. LXXII, 1; Hiebert 1992, fig. 4.10; Teufer 2015, Taf. 12, 3, Taf. 80, 1; Taf. 59, 6, Taf. 89, 4
۳	۱۱	کاسه نیم‌کروی بزرگ، خمیره نخودی مایل به قرمز، قطر دهانه ۲۶ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Vinogradova et al. 2008: 348, fig. 53, Gr.59, 6
۴	۱۰	کاسه نیم‌کروی بزرگ، خمیره نخودی مایل به قرمز، قطر دهانه ۲۶ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Vinogradova et al. 2008: 349, fig. 54, Gr.52, 1
۵	۲۹	کاسه نیم‌کروی کوچک، خمیره آجری با پوشش نخودی روشن، لکه‌های کوچک قرمز با حرارت (تزیین؟)، قطر دهانه ۱۶ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Sarianidi 2007: 58, 31/58
۶	۷	کاسه با لوله ناودانی، خمیره قرمز آجری، قطر دهانه ۱۲.۸ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Sarianidi 1990: 278, Tab. LXXIII, no.2; Francfort 1989: 358, fig. 40, D19
۷	۳	کاسه پایه شیپوری، خمیره قرمز آجری با پوشش نخودی رقیق، قطر دهانه ۲۶ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Francfort 1989: 349, fig. 31, D1-21; Teufer 2015, Taf. 15, 6; Sarianidi 2007: 58: 3/104
۸	۱	کاسه پایه شیپوری، خمیره قرمز آجری، قطر دهانه ۲۸ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Teufer 2015: Taf. 90, 7, Taf. 93, 6, Taf. 103, 1; Sarianidi 2007: 58: 3/6
۹	۶	سبوی گلابی‌شکل، خمیره قرمز، دوغاب نخودی، حرارت بیش از حد، قطر دهانه ۹.۷ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Kozhin 2008, fig. 3, 1
۱۰	۸	جام پایه‌دار با بدنه زاویه‌دار، خمیره قرمز آجری، قطر دهانه ۱۵.۶ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Stein 1937: pl. 32, no.19; Francfort 1989: 355, fig. 47, D3-37; Teufer 2015: Taf. 215, 5; Kozhin 2008: fig.1, 14, Sarianidi 2007: 58, 65, fig. 29
۱۱	۲	خمچه با بدنه کروی و کف قالبی، خمیره نخودی روشن، نقوش کنده روی شانه، لکه قرمز حرارت روی بخش قالبی (تزیین؟)، قطر دهانه ۲۷ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Vinogradova et al. 2008: 308, fig. 12, 37; Sarianidi 2007: 65, fig. 31
۱۲	۴	خمچه با بدنه کروی و کف قالبی، خمیره نخودی روشن، نقوش کنده روی شانه، قطر دهانه ۲۵ سانتی‌متر، چرخ‌ساز	Askarov 1977: 65, fig. 32, Sapalli, VI, 2a; Hiebert 1992: 304, fig. 7.3, 11

جدول ۱. کاتالوگ سفال‌ها

تاحدی مشابه جام‌های مفرغی منطقه باختر (Pottier 1984: 211)، از جمله نمونه‌های ساپالی تپه است که در تقسیم بندی کنیوت به‌عنوان گونه ۴-۲-C معرفی شده‌اند (Kaniuth 2006: 86, 61-63)، هر چند نمونه‌های باختر کف مسطح دارند اما کف جام مفرغی چَلو قوس‌دار است.

سه میله/سنجاق مفرغی با شکل و ابعاد مختلف در جلوی سینه، زیر فک و زیر جمجمه و یک سنجاق در داخل یکی از خمچه‌های سفالی (ظرف ش. ۱۱ در تصاویر ۵-۶) پیدا شد. این سنجاق که از سنجاق‌های مفرغی دیگر بزرگ‌تر است، ۲۲ سانتی‌متر طول و مقطعی گرد دارد و انتهای آن به شکل دست انسان است که یک گُلک را با انگشتان شصت و سبابه نگه داشته است (تصویر ۸ ش. ۲). نمونه کاملاً مشابه این سنجاق

بوستان (Luneau 2010: 57, fig. 24,1) و طاهری ۳ (Sarianidi 1959: 174, Tab. 6, nos. 1-3, 5-7,9) بیشتر دیده می‌شود.

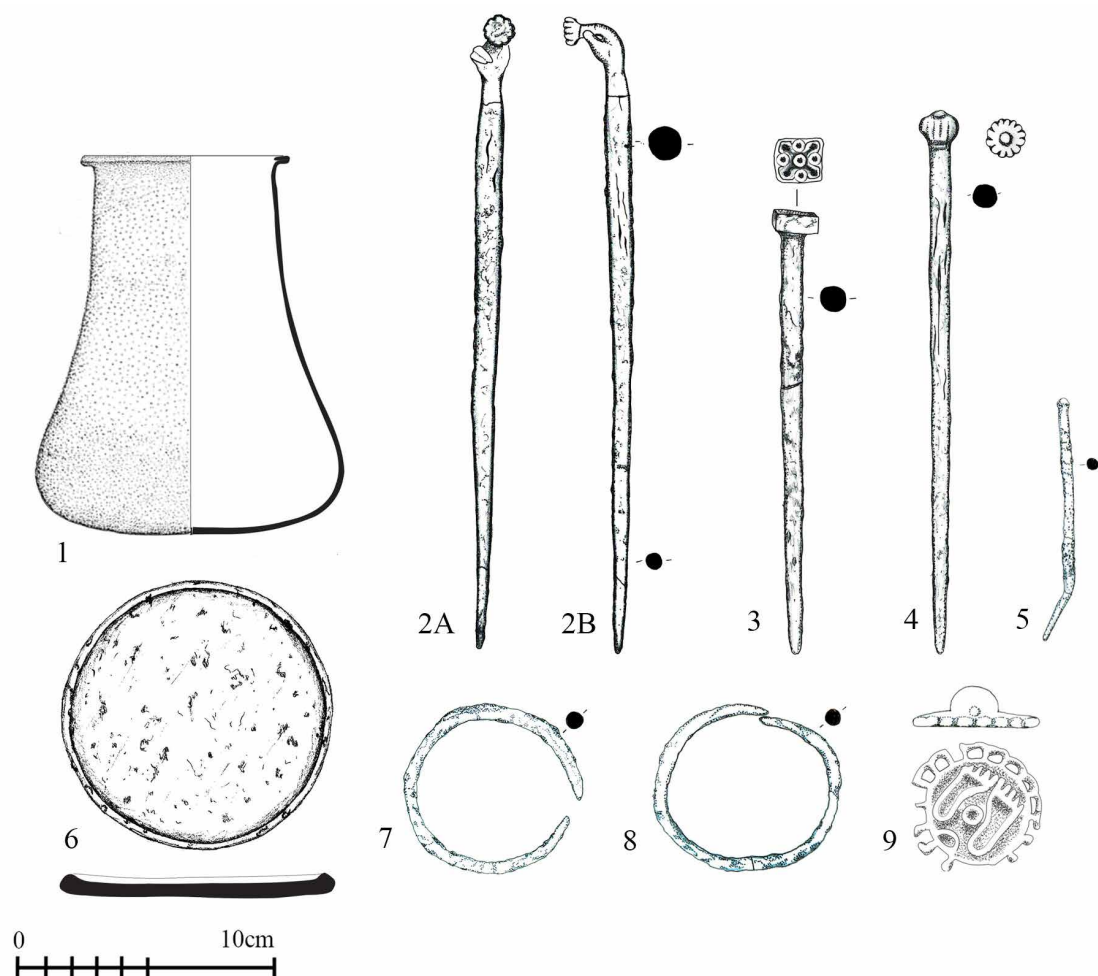
اشیای فلزی

در بین هدایای تدفینی ۱۳ قلم اشیای فلزی وجود داشت که شامل سه حلقه ساده طلا و ده قلم اشیای مختلف مفرغی از جمله یک جفت النگو، یک قلم سرمه‌کش، چهار میله یا سنجاق، یک آئینه، یک مهر مسطح و یک جام بود.

تمام اشیای مفرغی درون گور جلوی سر و صورت و داستان اسکلت قرار داده شده، جز یک جام مفرغی با بدنه استونه‌ای و کف بیضی‌شکل که درون لاوک بزرگ زیر پای اسکلت پیدا شد (تصویر ۸ ش. ۱). شکل بدنه این ظرف

114, nos. 175, 178-182; Teufer 2015: 419, Taf. 41, no.6; Askarov 1977: 204, Tab. XI, nos. 1-4) و در حفريات غيرمجاز منطقه باختر جنوبي (Sarianidi 1977: 85, fig. 44, nos. 8-9; Pottier 1984: 158, no. 184) پيدا شده است. همچنين نمونه‌های مشابهی از کاوش‌های تپه گُور (Sarianidi 2007: 90, figs. 108-109) و تغلق ۲۴ (Sarianidi 1990: 263, Tab. LVIII, nos. 10, 21, 24) در منطقه مرگیانه گزارش شده است. سنجاق زیر جمجمه (تصویر ۸، ش. ۵) بسیار باریک و کوتاه است و حدود ۹ سانتی‌متر طول دارد. این سنجاق نیز مقطع گرد دارد و انتهای آن به یک گوی ساده کوچک ختم شده است. باتوجه به ظرافت و محل قرار گرفتن این سنجاق در زیر سر، به احتمال زیاد به‌عنوان سنجاق سر، برای ثابت نگه داشتن مو استفاده می‌شده است. علاوه بر اینها، یک میله مفرغی هم درون یک سرمه‌دان سنگی پیدا شد که در ادامه به آن اشاره شده است. در مجموع، بر اساس اندازه، شکل و موقعیت قرارگیری سنجاق‌ها، میله‌ها و سوزن‌های فلزی در گور و ارتباط آنها با اسکلت می‌توان آنها را به چند دسته شامل سنجاق سر، سنجاق لباس یا کفن و در نهایت قلم سرمه تقسیم کرد.

مفرغی از حفريات غيرمجاز در منطقه باختر جنوبي پيدا شده که پوتیه در بازار کابل دیده و منتشر کرده است (Pottier 1984: 158, no. 188). سنجاق مفرغی دیگر درست در جلوی سینه و بین دو بازو قرار داشت (تصویر ۸، ش. ۳) و به نظر می‌رسد سنجاق لباس بوده است. این سنجاق نیز مقطع گرد و ۱۷.۵ سانتی‌متر طول دارد و انتهای آن مربعی‌شکل است. لبه‌های مربع قدری برجسته است و در مرکز آن نقش دایره‌ای برجسته و در وسط هر ضلع مربع، یک نیم‌دایره وجود دارد. شاید انتهای این سنجاق به عنوان مهر هم استفاده شده باشد (Vahdati, Biscione 2021/ in print b, Chl-4). در نزدیکی این سنجاق لباس، یک سنجاق مفرغی دیگر (تصویر ۸، ش. ۴) در زیر فک اسکلت پیدا شد. این سنجاق هم مقطع گرد و ۲۱ سانتی‌متر طول دارد و انتهای آن به شکل یک گوی کوچک با تزیینات خیاره‌ای است که در بالای آن یک نقطه برجسته وجود دارد. سنجاق‌های مشابه اینها در کاوش‌های جارکوتان و ساپالی تپه (برای سنجاق با سر مربعی نک. Kaniuth 2006: 107, no. 146؛ برای سنجاق با سرمدور و تزیینات خیاره‌ای نک. Kaniuth 2006:



تصویر ۸. مجموعه اشیای مفرغی گور شماره ۱۲، ترانشه ۱۴، تپه چلو.

به احتمال زیاد نقش کف پای انسان که در هنر مهرسازی مناطق وسیعی از جنوب غربی ایران تا منطقه باختر رایج بوده، مفهوم نمادینی داشته و بی‌درنگ زیارتگاه‌های معروف به «قدمگاه» در دین‌های شرقی از جمله بودایی، هندو و اسلام را به یاد می‌آورد (Vahdati, Biscione 2021, in print-a).

محل قرار گرفتن مهر در کنار گلوی مرده بسیار جالب توجه است و نشان می‌دهد این مهر مثل گلوبند، با نخ کوتاه به گردن وصل بوده است. در این صورت استفاده از مهر برای مهرزدن آسان نبوده و شاید بتوان گفت اصولاً از این مهر به‌عنوان طلسم یا تعویذ استفاده می‌شده است؛ یعنی همان تفسیری که باستان‌شناسان روس از این دسته از اشیا دارند و آنها را مهر-تعویذ (Печати-амулеты) می‌نامند (Sarianidi 1976). در تدفین شماره ۲۱ چلو (ترانشه ۲۶) هم یک مهر مدور کوچک از سنگ صابون با نقوش اسطوره‌ای در نزدیک گردن اسکلت پیدا شد که باز هم مثل گلوبند به گردن متصل بوده و این نوع کاربری را تایید می‌کند.

در فاصله کمی به مهر مفرغی، درست در جلوی صورت اسکلت یک آئینه مفرغی پیدا شد که روی آن یک سرمه‌دان سنگی مرصع با قلم سرمه درون آن وجود داشت. این آئینه یک صفحه مدور فلزی به قطر حدود ۱۰ سانتی‌متر است که لبه بیرونی آن در یک سو حدود ۲ میلی‌متر برجسته و یک سوی آن قدری محدب است (تصویر ۸، ش. ۶). چندین نمونه از این نوع آئینه‌های مفرغی در کاوش‌های گنور تپه (Sarianidi 2007: 87)، آجی‌کویی (Rossi-Osmida 2011: 224-225)، تغلق و محوطه‌های دیگر مرگیانه و در گورهای جارکوتان (Shirinov, Askarov 1977: 201, fig. 4, 1, 37, nos. 7, 10-12; Teufer 2015: Taf. 10, no. 4, Taf. 21, no. 5, Taf. 49, no. 10, Taf. 65, no. 1, Taf. 75, no. 9, Taf. 91, no. 8, Taf. 97, no. 7) در منطقه باختر پیدا شده که کنیوت به‌عنوان گونه A-2-1 معرفی و به دوره مفرغ متأخر ۱ الف و ۱ ب (SB Ia, b) تاریخ‌گذاری کرده است (Kaniuth 2006: 70-72).

علاوه بر اشیای مفرغی پیش‌گفته، سه حلقه طلایی ساخته شده از مفتول نازک با مقطع گرد به همراه اسکلت پیدا شد. این مفتول‌های طلایی کمتر از ۲ میلی‌متر ضخامت دارند و بیشترین ضخامت آن در بخش میانی است که به سمت دو انتها باریک می‌شوند. یکی از اینها حلقه انگشتی با قطر ۱.۳ سانتی‌متر است که در دست چپ اسکلت قرار داشت و دو حلقه دیگر به قطر ۰.۸ سانتی‌متر در محل گوش پیدا شد و گوشواره هستند. دو انتهای انگشتی قدری روی هم قرار گرفته و دو سر مفتول گوشواره‌ها به هم رسیده اما همپوشانی ندارند.

بر مچ هر دست اسکلت یک انگو وجود داشت. این انگوها، از یک مفتول ساده مفرغی با مقطع گرد ساخته شده که دو سر آن قدری باریک شده است. دو سر یکی از انگوها کمی روی یکدیگر قرار گرفته و در انگوی دیگر دو انتها به هم نرسیده است (تصویر ۸، ش. ۷-۸). بسیاری از اسکلت مردان و زنان چلو از این نوع انگوها دارند و حتی در مواردی همین نوع انگو را در دست و پای حیوانات دفن شده هم قرار داده‌اند (Vahdati, Biscione 2021, in print-a). نمونه‌های چنین انگوهای مفرغی به وفور در کاوش‌های منطقه باختر در گورهای جارکوتان و ساپالی تپه (Kaniuth 2006: 131-133, nos. 290-304; Askarov 1977: 202, fig. 38, nos. 3-12) و در محوطه‌های باستانی دلتای رود مرغاب همچون گنور (Sarianidi 2007: 95, figs. 123-124) و تغلق ۲۴ (Sarianidi 1990: 263, Tab. LVIII, nos. 2, 4) پیدا شده است.

در کنار گردن اسکلت و درست در محل گلوی مرده، یک مهر مدور مفرغی با حلقه آویز در پشت از نوع «مهرهای مشبک فلزی» پیدا شد (تصویر ۸، ش. ۹). حاشیه مهر به شکل تزیینات کنگره‌وار توخالی تزیین شده که بر گرد یک دایره آرایش یافته و در مرکز مهر یک دایره کوچک برجسته نقش شده است. در هرطرف دایره کوچک مرکزی نقش پای انسان به صورت برجسته ایجاد شده و بین دو پاشنه پا یک نیمدایره به دایره بزرگ دور مهر متصل شده است.

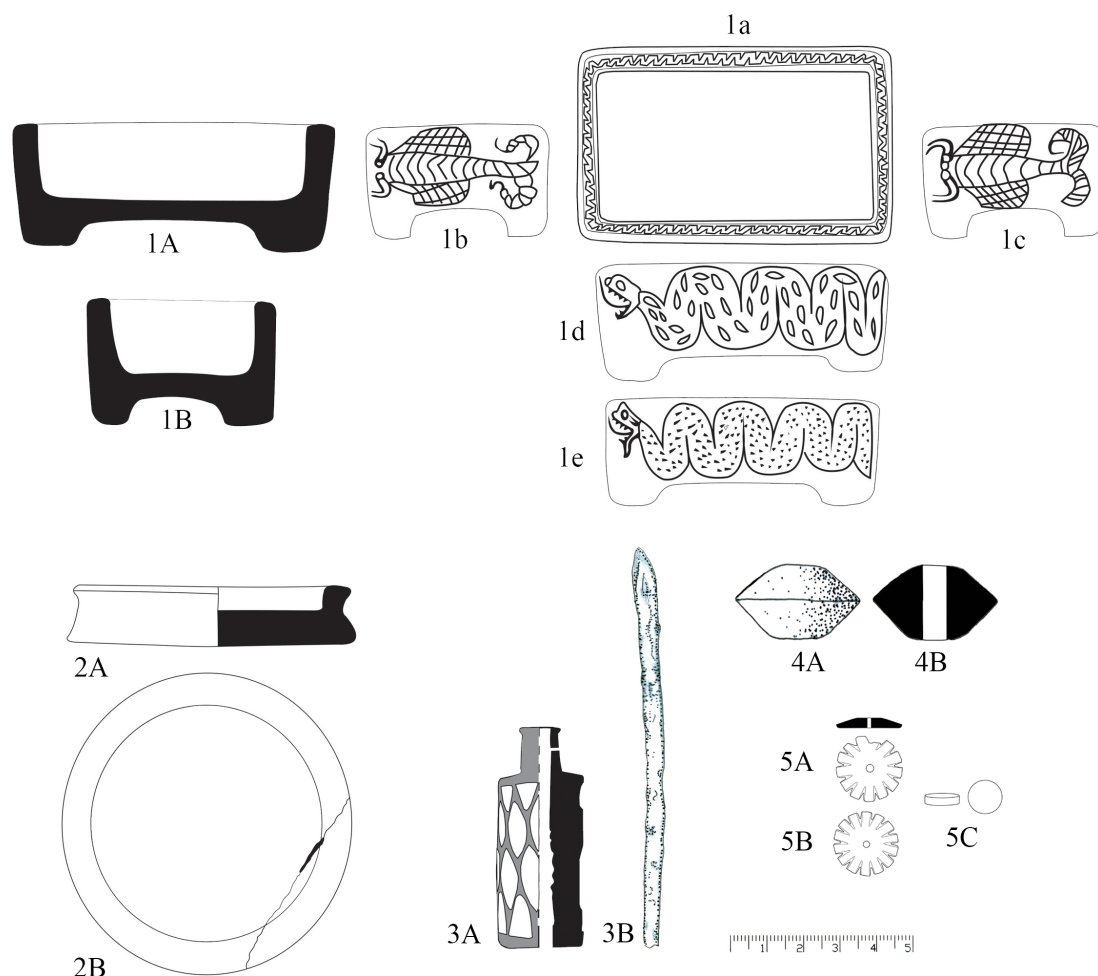
در بین مهرهایی که از حفاریات قاچاق در منطقه باختر پیدا شده و در گالری آناهیتا نگهداری می‌شود، ویکتور ساریانیدی چندین مهر و/یا تعویذ مفرغی به شکل یک جفت ساریانیدی (Sarianidi 1998: 162-163, nos. 872-873) یا یک پای انسان (Sar-ianidi 1998: 163-165, nos. 874-877) گزارش کرده که بی‌درنگ مهر مورد بحث در تدفین شماره ۱۲ چلو را به یاد می‌آورند. همچنین بر روی چندین مهر دوره مفرغ در جنوب شرق ایران از جمله بر یک مهر مربعی از گوری در شهداد (Hakemi 1997: 660, fig. 1a) و مهری مدور از دوره IVB تپه یحیی (Lamberg-Karlovsky 1971: 92, fig. 2C) هر دو از جنس سنگ صابون (کلریت) نقش کف پای انسان (در جهت مخالف هم) دیده شده که در هر دو مورد به حدود ۲۲۰۰/۲۱۰۰-۲۰۰۰ پیش‌ازمیلاد تاریخ‌گذاری شده است (Ascalone 2011: 422-423). اسکالونه معتقد است این نقشمایه در محوطه‌های جنوب‌شرق ایران از هنرمهرسازی دوران آغاز تاریخی شوش و میانرودان الهام گرفته است (Ascalone 2011: 415). نقش کف پای انسان به صورت همراستا یا در جهت خلاف هم در بین مهرهای دوران آغاز نگارش شوش هم وجود دارد (Amiet 1972: pl. 58, 409-410, pl. 4, 462).

اشیای سنگی

روی هم رفته هفت قلم شیء سنگی از این تدفین پیدا شد که از سنگ‌های مختلف بومی و وارداتی همچون سنگ صابون (سیاه مایل به سبز)، سنگ آهک (سفید)، سنگ لاجورد و سنگ مار (سبز) ساخته شده‌اند.

سه قلم از این اشیاء از سنگ صابون ساخته شده و مربوط به لوازم آرایش هستند. یکی از اینها جعبه مستطیلی با چهار پایه چهارگوش است (تصاویر ۹-۱۰، ش. ۱). طول این جعبه ۸.۷ سانتی‌متر، عرض ۴.۷ سانتی‌متر و ارتفاع آن ۴.۳ سانتی‌متر است. در دو ضلع بزرگ این جعبه تصویر دو مار و بر ضلع‌های کوچک دو عقرب حک شده است. هر دو مار با دهان باز و دندان‌های تیز و زبان بیرون آمده به حالت تهاجمی نقش شده‌اند. بدن یکی از مارها سه و دیگری چهار بار پیچ خورده و پوشش فلسی پوست در یکی با نقطه‌های مثلثی ریز متراکم و در دیگری با نقوش بادامی درشت‌تر و توخالی نمایش داده شده است. در هر یک از اضلاع کوچک جعبه نقش یک عقرب با دم دو شاخه نقش شده است. چنگال‌ها در جلوی سر به شکل دو قلاب در طرفین

چشم‌ها، پاها به صورت دو باله پرشده با هاشور متقاطع، بندهای روی پشت و بدن با خطوط جناقی کند و انتهای دم به صورت دو شاخه نشان داده شده است. یکی از عقرب‌ها با دمی بندبند و نیش برگشته به بیرون، به شکلی نسبتاً واقع‌گرایانه ترسیم شده اما دم عقرب دیگر با خطوط مورب و نیش برگشته به داخل به صورت کاملاً انتزاعی نشان داده شده است. سراسر سطح بالایی لبه جعبه را نقش کنده زیگزاگی تقریباً مشابه نواری پیوسته از حروف w بین دو خط موازی تزیین کرده است. این جعبه پایه‌دار سنگی، از نظر شکل ظرف، ابعاد و تزیینات حک شده بر بدنه، شباهت حیرت‌آوری به یک ظرف سنگ صابونی از گورهای غارت شده باختر دارد (Pottier 1984: 224, pl. XLII, 312) و بعید نیست هر دو محصول کار یک هنرمند یا کارگاه واحد باشند. جعبه‌های سنگی مشابه دیگری با نقوش حک‌شده هندسی از محوطه‌های دیگر باختر (Ligabue, Salvatori 1988: fig. 85) و مرگیانه همچون گنور و آجی کویی (Bonora et al. 2020: 133, fig. 2; Sarianidi 2002: 125; Sarianidi 2005: 281, no. 133; Sarianidi, Dubova 2013: 84) هم پیدا شده است.



تصویر ۹. مجموعه اشیای سنگی تدفین شماره ۱۲، ترانسه ۱۴، تپه چلو.



تصویر ۱۰. ظرف چهارگوش پایه‌دار از سنگ صابون با نقش مار و عقرب از چلو (بالا) و باختر جنوبی (پایین).

در اطراف گردن اسکلت تعداد زیادی مهره‌های سنگی به شکل‌های مختلف از جنس سنگ صابون (سیاه)، سنگ گچ/آهک (سفید)، سنگ مار (سبز) و لاجوردی پیدا شد که مربوط به یک گردنبند بوده است. بیشتر مهره‌ها دیسکی شکل و به صورت یکی در میان از سنگ سیاه و سفید و تعداد کمی استوانه‌ای از جنس لاجورد و سنگ سبز هستند که در وسط سوراخی برای عبور نخ دارند. یک مهره استوانه‌ای که به سمت نوک باریک می‌شود به ارتفاع حدود ۲ سانتی متر از سنگ صابون و یک مهره مخروطی پخ از سنگ گچ/آهک در دو انتهای گردنبند وجود داشته است (تصویر ۱۲، ش. ۱). جز سنگ لاجورد که احتمالاً از منطقه باختر وارد شده، سایر سنگ‌های به کار رفته در این گردنبند در معادن محلی اطراف جاجرم تا سبزوار وجود دارد و شواهد تولید مهره‌های سنگی به شکل بلوک‌های شکسته، نیمه‌تمام و ناقص مهره‌های سنگی در برخی ترانشه‌های کاوش شده در چلو نشان‌دهنده تولید محلی این گونه زیورآلات است.

یکی دیگر از اشیای سنگی این گور یک سردوک دو مخروطی به قطر ۳ سانتی متر و ارتفاع ۲ سانتی متر از جنس سنگ صابون است (تصویر ۹، ش. ۴). در وسط سردوک سوراخ گردی به قطر ۶ میلی متر وجود دارد. برخلاف برخی نمونه‌های مشابه در گورهای دیگر چلو که سطوح جانبی آنها تزیینات هندسی به شکل دواپیری با یک نقطه در مرکز دارند، سطح این سردوک کاملاً ساده و بدون تزیینات است. نمونه‌های مشابه این سردوک سنگی به وفور از گورهای کاوش شده در منطقه باختر از جمله در جاركوتان (Teufer 2015: 506, Taf. 128, no. 4, 596), و ساپالی تپه (Askarov 1977: Taf. 218, no. 9, 623, Taf. 245, no. 6) و در مرگیانه از تپه‌های تَغْلُق (ش. ۱، ۲۱ و ۲۴) و گنور (Sarianidi 1990: 230, Tab. XXV) پیدا شده که با تکنولوژی مشابهی ساخته شده‌اند.

ظرف سنگ صابونی دوم یک محفظه گرد و بسیار کم عمق با کف مسطح و لبه تخت و قدری بیرون آمده است (تصویر ۹، ش. ۲). این ظرف ۱۰۲ س.م ارتفاع دارد و قطر دایره کف آن ۶۰۶ س.م است که به سمت بالا باریک شده و بعد از یک زاویه به سمت داخل، دوباره بیرون آمده و در قسمت لبه قطر دایره دهانه به ۶۰۳ سانتی متر می‌رسد. این ظرف سنگ صابونی هم مانند جعبه پایه‌دار مربوط به لوازم آرایش است اما هیچ گونه تزییناتی ندارد. نمونه‌های مشابه این نوع ظرف با بدنه ساده یا تزیین شده از مناطق مختلف باختر (Pottier 1984: 177, 210, fig. 43, 324, pl. 28, 231) و مرگیانه (Sarianidi 2002: 125) پیدا شده است.

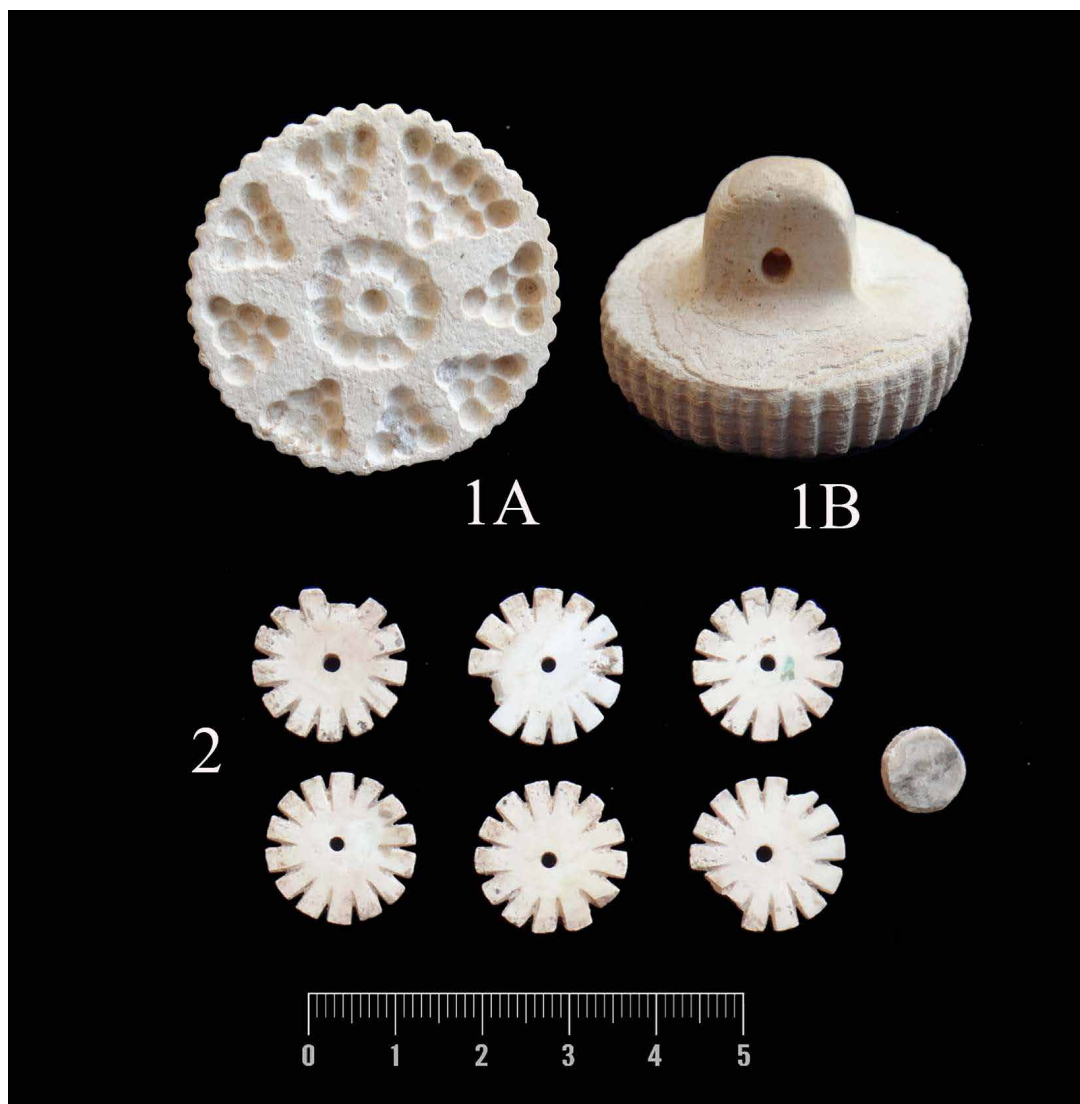
سومین ظرف سنگ صابونی یک سرمه‌دان استوانه‌ای شکل به قطر ۲۰۷ سانتی متر و ارتفاع ۶ سانتی متر است (تصویر ۹، ش. ۳). در قسمت بالای بدنه، گردن ظرف باریک شده و در انتها به لبه تخت و کمی بیرون آمده به قصر دهانه ۱۰۳ سانتی متر ختم می‌شود. در یک سمت گردن ظرف سوراخ ریزی با قطر حدود ۱ میلی متر وجود دارد. روی بدنه ظرف خانه‌های بادامی شکلی وجود دارد که با قطعات سنگ سفید (سنگ گچ/آهک) ترصیع شده است. هنوز در داخل این ظرف یک میله مفرغی به ارتفاع حدود ۱۲ سانتی متر باقی مانده که به سمت بالا قدری ضخیم شده و انتهای آن کمی تیز می‌شود. هنوز بقایای پودر سیاه‌رنگی مربوط به مواد آرایشی (سرمه) در داخل ظرف وجود داشت. سرمه‌دان‌های سنگ صابونی با بدنه مربع یا مدور که سطح آنها با قطعات سنگ سفید ترصیع شده از چند گور دیگر در چلو و گورهای هم‌دوره آنها در منطقه باختر (Pottier 1984: 154, fig. 20, no. 146; Vahdati, Biscione 2021, in print-a, fig. 20, nos. 2-4) پیدا شده که با تکنولوژی مشابهی ساخته شده‌اند.

236-237, nos. 1259, 1263, 1264; 1990: 87, fig. 15; Teufer 2015: 397, Taf. 19, no. 11; Winkelmann 2020: 264, fig. 8.2, a, c, g.

در نزدیک صورت اسکلت یک شیء تزئینی از مرمر سفید پیدا شد که مرکب است از یک مهره کوچک تخت قرصی شکل به قطر ۰.۹ سانتی متر و شش مهره مدور بزرگتر به قطر ۱.۸ سانتی که یک سوی آن کاملاً تخت و سمت دیگر کمی محدب است (تصویر ۹، ش. ۵ و تصویر ۱۱، ش. ۲). گرداگرد لبه مهره‌های بزرگتر تزئین دندان‌موشی دارد و در مجموع به این مهره‌ها ظاهری شبیه گل‌هایی با ۱۳-۱۴ گلبرگ داده است. مهره کوچک قرصی شکل سوراخی برای عبور نخ ندارد ولی به نحوی همراه با مهره‌های بزرگتر یک تزئین واحد را تشکیل می‌دهد. با توجه به موقعیت این عنصر تزئینی در جلوی صورت، به احتمال زیاد این مهره‌ها بخشی از زیورآلات سر این بانو بوده است.

2007: 117, figs. 216-219; 1977, fig. 65; 1959: 181, Tab. XIII, nos. 1-3; Sarianidi, Dubova 2013: 85 گزارش شده است.

در جلوی سینه اسکلت و در کنار سنجاق لباس با سر مربعی، یک مهر سنگی مسطح به شکل دایره با دسته سوراخدار برای آویز کردن در پشت پیدا شد (تصویر ۱۱، ش. ۱). حاشیه مهر به صورت کنگره‌دار تزئین شده و در سطح آن نقوش هندسی با تکنیک مته‌ای اجرا شده است. نقوش روی مهر عبارتست از یک گل هشت‌پر متشکل از مثلث‌هایی که نوک آنها به سمت مرکز است و در وسط یک دایره با نقطه‌ای در مرکز نقش شده است. تمام نقوش از دایره‌های به هم چسبیده تشکیل شده که با مته بر سطح مهر ایجاد شده‌اند. نمونه‌های بسیار مشابه این گونه مهر با تزئینات مته‌ای و نقوش هندسی از گورهای منطقه باختر و مرگیانه پیدا شده است (Sarianidi 1998).



تصویر ۱۱. مهر مسطح و مهره‌های زینتی از سنگ سفید، تدفین شماره ۱۲.

اشیای عاج

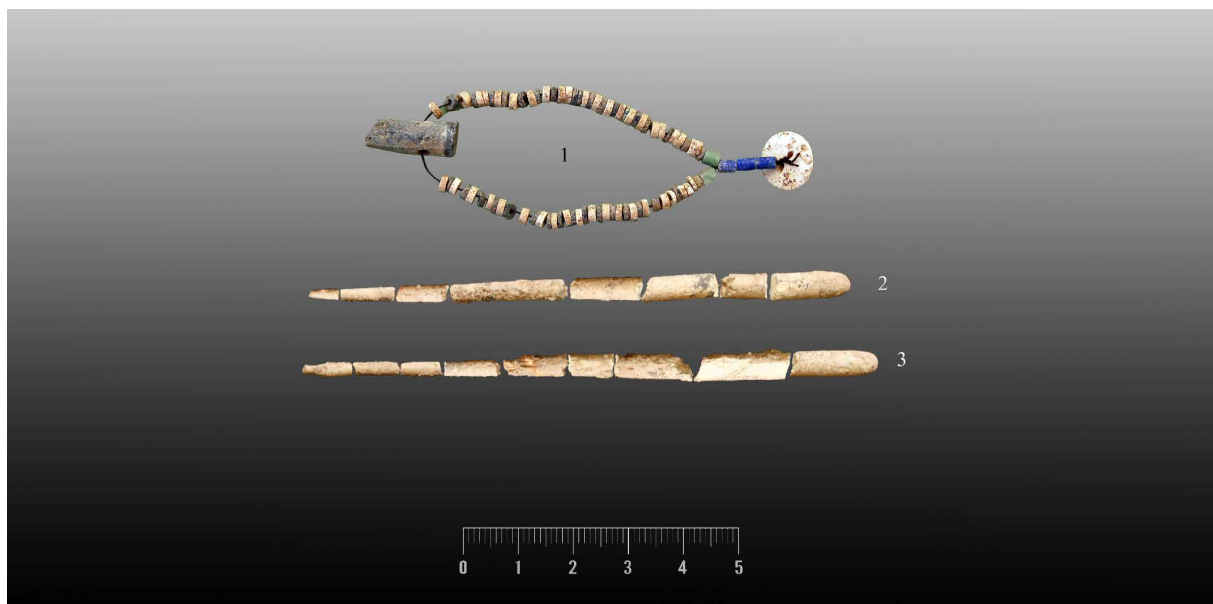
در تدفین شماره ۱۲ دو میلهٔ عاج در نزدیکی صورت مرده وجود داشت که در زمان کاوش به دلیل آسیب‌های وارد شده شکسته و به چندین قطعه تقسیم شده بود. این سنجاق‌ها حدود ۱۱ سانتی‌متر طول دارند و یک سر آنها کمی ضخیم و گرد شده است (۰.۶ سانتی‌متر) اما به سمت انتها باریک شده و نوک تیز دارند. با توجه به ظرافت و نازکی این سنجاق‌ها، روی بدنه‌شان هیچگونه تزیینی ایجاد نشده است (تصویر ۱۲، ش. ۲-۳). نمونه سنجاق‌های عاج با بدنهٔ ساده و تزیین شده با نقوش هندسی در گورهای منطقهٔ مرگیانه نیز پیدا شده (Sari-anidi 2002: 150; 2005: 199, fig. 65; Dubova et al. 2018: 37, fig. 17) و گویای روابط تجاری و فرهنگی مردمان تمدن خراسان بزرگ با درهٔ سند است.

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی اخیر در مناطق شرقی ایران جلوه‌های جدیدی از تمدن خراسان بزرگ را نمایان کرده است. یکی از مهمترین مراکز این تمدن در شرق ایران تپه چلو در سرحدات غربی خراسان است که تا کنون غربی‌ترین مکان شناسایی و کاوش‌شدهٔ تمدن خراسان بزرگ به شمار می‌رود. شناسایی و گستردهٔ اراضی، تسطیح و خاکبرداری و فرسایش بادی و آبی، بخش قابل توجهی از نهشته‌های باستانی این مکان را از بین برده و تاکنون آثار معماری این تمدن در چلو پیدا نشده است. گورهای این دوره نیز در عمق کمی از سطح زمین پیدا می‌شود و برخی هم در اثر فرسایش به‌طور طبیعی از خاک بیرون آمده‌اند.

هیأت مشترک باستان‌شناسی ایران و ایتالیا بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در تپه چلو کاوش کرد. کاوش در بخش گورستان باعث کشف ۳۸ گور با اشیای شاخص تمدن خراسان بزرگ شد که یکی از غنی‌ترین گورهای کاوش‌شده، تدفین شماره ۱۲ بود. این گور در ترانشهٔ ۱۴، در نیمهٔ غربی تپه چلو کاوش شده و در آن بانوی جوانی با انواع هدایای تدفینی به خاک سپرده شده بود. تمام اشیای دفن شده در این گور از جمله ظروف سفالی، اشیای فلزی، اشیای سنگی و استخوانی به سنت‌های رایج در دورهٔ نمازگاه ۶ در مناطق مرگیانه و باختر ساخته شده‌اند. مقایسهٔ این اشیای تدفینی با نمونه‌های مشابه در گورهای کاوش شده در مناطق باختر و مرگیانه نشان‌دهندهٔ تاریخی بین اواخر هزارهٔ سوم تا اوایل هزارهٔ دوم پیش‌ازمیلاد است. تاکنون مطالعات آزمایشگاهی بر هیچ‌یک از مواد تدفین شمارهٔ ۱۲ انجام نشده، اما چندین نمونهٔ آزمایش شده از گورهای هم‌دوره در این گورستان از جمله یک قطعه از استخوان زندزیرین تدفین شماره ۱۰ (ترانشهٔ ۱۰) تاریخ بین ۲۳۱۰-۲۱۳۰ پیش‌ازمیلاد را نشان می‌دهد که با این دامنهٔ تاریخی همخوانی دارد.

با توجه به وجود منابع و مواد خام اولیه برای ساخت اشیای سفالی، فلزی و سنگی در محیط پیرامون و رشته کوه‌های اطراف چلو و نیز شواهد غیرمستقیم فلزگری و سنگ‌تراشی در محل به شکل قطره‌های بی‌شکل مفرغ، قطعات شکسته، نیمه‌تمام و ناقص ظروف و زیورآلات سنگی، می‌توان حدس زد اشیای دفن شده به همراه اسکلت در تدفین شماره ۱۲ و سایر گورهای چلو به احتمال فراوان در محل تولید



تصویر ۱۲. گردنبند یا مهره‌های سنگ سیاه و سفید، سنگ صابون و لاجورد (ش. ۱) و سنجاق‌های عاج از گور ۱۲.

هیأت مشترک ایران-ایتالیا در شرق و شمال شرق ایران، ایران و ایتالیا: ۶۰ سال همکاری در میراث فرهنگی، به کوشش پیر فرانچسکو کلیری، آدریانو روتی، سیدمنصور سیدسجادی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

References

Alekshin, V.

1986 *Sotzialnaya Structura i Pogrebalniy Obryad Drevnezemelcheshkih Obshestv*, Leningrad.

Amiet, P.

1972 *La glyptique susienne, des origines à l'époque des perses achéménides*. Cachets, sceaux-cylindres et empreintes antiques découvertes à Suse, de 1913 à 1967 (= MDAI 43), Paris.

Ascalone, E.

2011 *Glittica elamita : dalla metà del III alla metà del II millennio a.C. : sigilli a stampo, sigilli a cilindro e impronte rinvenute in Iran e provenienti da collezioni private e museali*, Roma: L'Erma di Bretschneider.

Askarov, A. A.

1977 *Drevnezemelcheshkaya Kul'tura epokhi bronzi igua Uzbekistana*, Tashkent.

Biscione, R. and L. Bondioli

1989 "Sapallitepe; analisi del rituale funerario in una necropoli del III millennio a.C.", *Seminari Anno 1988*. Roma, pp. 57-80.

Biscione, R. and A. A. Vahdati

2020 "The BMAC presence in eastern Iran: State of affairs in December 2018 – towards the Greater Khorasan Civilization?" In: Lyonnet, B. and Dubova, B. (eds.), *The World of the Oxus Civilization*, Routledge, pp. 527-550.

Biscione, R. and A.A. Vahdati

forthcoming "The Diffusion of Bactria- Margiana Archaeological Complex in Eastern Iran: New Evidence and Considerations." In: E. Luneau, M. Teufer, and N. Boroffka (eds.), *Farmers, Traders and Herders: The Bronze Age in Central Asia and Khorāsān, Archaeologie in Iran und Turan*. Berlin: Dietrich Reimer.

Bonora, G. L.; G. Rossi Osmida, A. Cengia

2020 "A Thymiaterron from the Oxus Civilization graveyard of Adji Kui in Margiana", In: *Ancient and Medieval Cultures of Central Asia (The formation, development and interaction of urbanized cattle-breeding societies: Proceedings of the international scientific conference dedicated to the 100th*

شده است (Vahdati, Biscione 2020, in print-a). باوجود این، شباهت این اشیاء در برخی موارد از جمله در جعبه سنگ صابونی با نقوش مار و عقرب از تدفین شماره ۱۲ با نمونه‌ای از باختر به قدری زیاد است که می‌توان تصور کرد برخی از این اشیاء به دست هنرمندانی واحد یا در یک کارگاه تولید شده باشند. همین شباهت در اشیای سفالی، فلزی و استخوانی هم دیده می‌شود. گونه‌شناسی ظروف سفالی، نقوش روی مهر مشبک فلزی و مهر سنگی، آرایه‌های سنجاق‌های فلزی و تشریفات خاکسپاری در تدفین شماره ۱۲ و گورهای دیگر چلو با محوطه‌های همزمان در مناطق باختر و مرگیانه نشان می‌دهد در این دوره مناطق گسترده‌ای از خراسان اشتراکات فرهنگی و نمادشناسی یکسانی داشته‌اند.

وجود اشیایی از مواد خارجی از قبیل لاجورد و عاج در تدفین شماره ۱۲ و چند گور دیگر در چلو، گویای روابط تجاری و فرهنگی این منطقه با مناطق شرقی همچون هندوکش و دره رود سند است. گرایش و علاقه به این مواد، خواه برای مصرف داخلی یا به منظور داد و ستد با تمدن‌های همزمان در شوش و میانرودان در بیشتر مراکز شهرنشینی این تمدن وجود داشته و شواهد آن در کاوش‌های باستان‌شناسی به وفور پیدا شده است. بی‌تردید تداوم کاوش‌ها در مناطق مختلف خراسان و شناخت بیشتر بافت‌های تدفینی و مسکونی تمدن خراسان بزرگ، در آینده نزدیک این فرهنگ پیشرفته شهری و ارتباط آن با تمدن‌های همزمان در فلات ایران و مناطق پیرامونی را در چشم‌انداز روشن‌تری قرار خواهد داد.

منابع

فرجامی، محمد

۱۳۹۵ "تعیین عرصه و حریم محوطه گوند باغستان فردوس"، گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، ۱۷-۱۵ اسفند ۱۳۹۵، ص. ۴۷۹-۴۷۴.

وحیدی، ع. ا.

۱۳۹۹ "عصر آهن در شرق ایران (۱۵۰۰-۵۵۰ پیش از میلاد)", نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران، به کوشش م. موسوی کوهپیر، ش. آریامنش، م. منتظرظهوری، م. خانی‌پور، تهران: انتشارات آریارمنا، صص. ۱۶۵-۲۲۲.

وحیدی، ع. ا. ر. بیشونه، م. تنگبرگ، م. مشکور

۱۳۹۷ "کاوش در تپه چلو: شواهدی از مجموعه باستان‌شناختی بلخی- مروی در دشت جاجرم"، مجله باستان‌شناسی، پژوهشکده باستان‌شناسی، ۶۳-۷۴: ۱/۱

وحیدی، ع. ا. ر. بیشونه

۱۴۰۰ "عصر مفرغ و آهن در خراسان: مروری بر نتایج پژوهش‌های

- birth anniversary of Dr Nauk in Historical Sciences Anatolii M. Mandelstam and the 90th birth anniversary of Dr Nauk in Historical Sciences Igor' N. Khlopin*, 10–12 November 2020, St. Petersburg, pp. 130-133.
- Dubova, N.A.; R. M. Satayev, A.V. Fribus, S. P. Grushin, V. V. Kufterin
2018 “Mogil'nik na yugo-zapade Gonur-depe (raskop 12)”, *Trudy Margianskoy arkhologicheskoy ekspeditsii*, Tom 7, pp. 29-79.
- Francfort, H.-P.
1989 *Fouilles de Shortughai, Recherche sur l'Asie Centrale protohistorique*, vol. 1, Paris: Diffusion De Boccard.
- 1994 “The Central Asian dimension of the symbolic system in Bactria and Margiana”, *Antiquity* 68, pp. 406-18.
- Hakemi, A.
1997 *Shahdad, Archaeological Excavations of a Bronze Age Center in Iran*, Reports and Memoirs Vol. XXVII, Roma.
- Hiebert, F.T.s
1992 *Bronze Age Oasis settlements of Central Asia*, a PhD thesis presented to the department of Anthropology, Harvard University, Cambridge, Massachusetts.
- Kaniuth, K.
2006 *Metallobjekte der Bronzezeit aus Nordbakterien*. Mainz: AIT6.
- Kircho L. B.
2020 “The rise of the early urban civilization in southwestern Central Asia. From the Middle Chalcolithic to the Middle Bronze Age in southern Turkmenistan”. In: Lyonnet, B. and Dubova, B. (eds.), *The World of the Oxus Civilization*, Routledge, London and New York, pp. 110-142.
- Kozhin, P.M.
“Keramika Gonur-depe”, *Trudy Margianskoj Arkheologicheskoy Ekspeditsii*, Tom. 2, pp. 180-195.
- Lamberg-Karlovsky, C. C.
1971 “The Proto-Elamite Settlement at Tepe Yahya”, *Iran* 9, pp. 87-95.
- Ligabue, G. Salvatori, S. (eds.)
1988 *Bactria: An Ancient Oasis Civilization from Sands of Afghanistan*, Venice: Erizzo.
- Luneau, E.
2008 “Tombes féminines et pratiques funéraires en Asie centrale protohistorique”. Quelques réflexions sur le «statut social» des femmes dans la civilisation de l'Oxus, *Paléorient* 34: 1, pp. 131-157.
- 2010 *L'Âge du Bronze en Asie centrale Méridionale (1750-1500/1450 avant n.e): la fin de la civilisation de l'Oxus*, Thèse de doctorat présentée à Université Paris 1, Panthéon Sorbonne.
- Lyonnet, B. and N. Dubova
The world of the Oxus Civilization, Routledge, London and New York.
- Pottier, M.-H.
1984 *Matériel funéraire de la Bactriane méridionale de l'âge du bronze (Mémoire 36)*. Paris: Éditions Recherche sur les Civilisations.
- Potts, D. T.
2003 “A soft-stone genre from southeastern Iran: "zig-zag" bowls from Magan to Margiana”, In: Potts, T., Roaf, M. and D. Stein (eds.), *Culture Through Objects: Ancient Near Eastern Studies in Honor of P.R.S. Moorey*, Griffith Institute, Oxford.
- Rossi Osmida, G.
2011 *Adji Kui Oasis: La cittadella delle statuette*, vol. II. Padova: Il Punto.
- Sarianidi, V. I.
1959 *Drevny zemledel'skaya Kultura Margiana*, Moscow.
- 1976 “Pechati-amulety murgabskogo stilya”, *Sovetskaya Arkheologiya* 1, pp. 42-68.
- 1977 *Drevnii zemledel'zi Afghanistanista*, Moscow.
- 1981 “Margiana in the Bronze Age”, In Kohl, Ph. L. (ed.), *The Bronze Age Civilization of Central Asia*, Armonk, New York: M. E. Sharp Inc., pp. 165-193.
- 1990 *Drevnosti strany Margush*, Ashkhabad.
- 1998 *Myths of Ancient Bactria and Margiana on its Seals and Amulets*. Moscow.
- 2002 *Margush: Ancient Oriental Kingdom in the Old Delta of the Murghab River*, Ashgabad.

- 2005 *Gonur-depe: City of Kinds and Gods*, Ashgabad.
- 2007 *Necropolis of Gonur*, Athens: Kapon Editions.
- 2016 “Novyy vzglyad na stanovleniye i puti razvitiya drevnevostochnoy tsivilizatsii”, *Trudy Margianskoy Arkheologicheskoy Ekspeditsii*, Tom. 6, Moskva, pp. 335-342.
- Sarianidi V.I. and N. Dubova
- 2013 *Gadymy Margianin Genji-Hazynasy – Treasures of Ancient Margiana*. Türkmen döwlet neshiryat gullugy, Ashgabat.
- Shirinov, T. Sh. and S. Baratov
- 1997 “Bronzezeitliche Grabstätten der Nekropole Džarkutan 4c (Sud- Uzbekistan).” *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan* 29, pp. 65-120.
- Soltysiak, A.; A. A. Vahdati and R. Biscione
- 2016 “Human remains from Tepe Challow, Iran, 2013-2015, *Bioarchaeology of the Near East*, Vol. 10, pp. 91-96.
- Stein, A.
- 1937 *Archaeological reconnaissance in north-western India and south-eastern Iran*, London.
- Teufer, M.
- 2015 *Spätbronzezeitliche Grabfunde aus Nordbaktrien und benachbarten Regionen. Studien zur Chronologie zwischen Aralsee und Persischem Golf*. Berlin: Dietrich Reimer Verlag GmbH.
- Vahdati, A.A.; R. Biscione, L. La Farina, M. Mashkour, M. Tengberg, H. Fathi, A. Mohaseb
- 2019 “Preliminary Report on the First Season of Excavations at Tepe Challow: New GKC (BMAC) Finds in the Plain of Jajarm, NE Iran”, In: J.-W. Meyer, E. Vila, M. Mashkour, M. Casanova, and R. valet (eds.), *The Iranian Plateau during the Bronze Age. Development of urbanization, production and trade*, Lyon, Maison de l’Orient et de la Méditerranée – Jean Pouilloux, pp. 179-200.
- Vahdati, A.A. and R. Biscione
- 2021 (in print-a) “The Bronze Age necropolis of Challow”: insights into the funeral practices of “BMAC” people in north-eastern Iran, *Transactions of Margiana Archaeological Expedition*, no. 8. forthcoming.
- 2021 (in print-b) “The Seals from Khorasan”, *The Corpus Indus Seals and Inscriptions*, Vol. 3.3. pp.x-xxv.
- Vanden Berghe, L.
- 1973 “Recherches archéologiques dans le Luristan, sixième campagne 1970, Fouilles à Bard-i Bal et à Pa-yi Kal. Prospections dans le district d’Aivan (Rapport préliminaire),” *Iranica Antiqua* 10, 1973, pp. 1-79.
- Vidale, M.
- 2017 *Treasures from the Oxus: the art and civilization of Central Asia*, London and New York.
- 2020 “Chlorite containers from the Oxus Civilization: between technical choices and iconographic codes”, In: Lyonnet, B. and Dubova, N., *The world of Oxus Civilization*, Routledge: London and New York.
- Vinogradova, N. M.; V. A. Ranov, T. G. Filimonova
- 2008 *Pamjatniki Kangurttuta v jugo-zapadnom Tadjzhikistane (epockha neolita I bronzovyy vek)*, Moscou, Institut Vostokovedeniya R. A. N.
- Winkelman, S.
- 2020 “BMAC Glyptics: Typology, context, function, and background”, In: Lyonnet, B. and Dubova, B. (eds.), *The World of the Oxus Civilization*, Routledge, pp. 215-292.



مجله موزه ملی ایران

توالی انتشار: دو فصلنامه

نوع داوری: دو سو ناشناس

زبان نشریه: فارسی و انگلیسی

نوع انتشار: چاپی و الکترونیکی

نوع دسترسی به مقالات: رایگان

هزینه بررسی و انتشار: ندارد

صاحب امتیاز: موزه ملی ایران

مدیر مسئول: جبرئیل نوکنده

سردبیر: یعقوب محمدی‌فر

معاون سردبیر: فریدون بیگلری

مدیر داخلی: ام‌البنین غفوری

ویراستار فارسی: یوسف حسن‌زاده و ام‌البنین غفوری

ویراستار انگلیسی: Steve Renette

اعضای تحریریه

محمدحسن طالبیان

علیرضا هژبری‌نوبری

یعقوب محمدی‌فر

محمد مرتضایی

علیرضا خسروزاده

محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار

داریوش اکبرزاده

سیروس نصرالله‌زاده

امید عودباشی

بهروز عمرانی

علیرضا انیسی

مشاوران علمی

مهدی رهبر

سید محمد بهشتی

سیداحمد محیط‌طباطبایی

محمدرضا کارگر

کامیار عبدی

محسن جاوری

زهره روح‌فر

هایده لاله

سونیا شیدرنگ

شاهرخ رزمجو

محمدحسین عزیزی‌خرانقی

یوسف حسن‌زاده

علی‌اکبر وحدتی

جواد حسین‌زاده ساداتی

حسین داودی

آرش میلانی‌نیا

اعضای تحریریه بین‌المللی

عباس علیزاده

مرجان مشکور

علی موسوی

نیما نظافتی

وستا سرخوش

فرانک بحرالعلومی

کریم علیزاده

محسن زیدی

طراح لوگو: نینا رضایی

تصویر روی جلد: گل نیلوفر آبی (TY.11)، تپه یحیی
تصویر پشت جلد: تیزه موستری ساخته‌شده از تراشه لوالوا، لایه مابین
پارینه سنگی میانی و پارینه‌سنگی جدید
کلیه حقوق این اثر برای موزه ملی ایران محفوظ است.

آدرس: تهران، خیابان امام‌خمینی، خیابان سی‌تیر، خیابان هنری

رولن، پلاک ۱، موزه ملی ایران.

کدپستی: ۱۱۳۶۹۱۷۱۱۱ تلفن: ۴ - ۶۶۷۰۲۰۶۲ - ۰۲۱

www.irannationalmuseum.ir

وبگاه موزه:

/http://jinm.irannationalmuseum.ir

وبگاه نشریه:

پست الکترونیک نشریه: irannationalmuseumjournal@gmail.com

راهنمای نویسندگان

نویسندگان گرامی لطفاً مقالات خود را در دو فایل مستقل بارگذاری کنید. یک فایل شامل کل مقاله بدون مشخصات نویسندگان که به داوران ارسال خواهد شد و یک فایل Word شامل مشخصات نویسندگان و اطلاعات تماس و معرفی آنان که نزد نشریه محفوظ خواهد ماند.

- ترتیب و چیدمان مطالب در مقاله:

- عنوان مقاله، نام نویسنده یا نویسندگان، چکیده‌ی فارسی و انگلیسی (بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه)، کلیدواژگان (بین ۵ تا ۸ واژه مرتبط با متن)، متن اصلی (درآمد، مواد و روش، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری، سپاسگزاری)، پی‌نوشت‌ها، کتاب‌شناسی، زیرنویس تصاویر.

- ذکر نام نویسنده یا نویسندگان (نویسنده مسئول مشخص شود)، عنوان، شماره تلفن، آدرس پستی و آدرس پست الکترونیک (E-mail) در صفحه نخست مقاله الزامی است.

- چکیده مقاله بایستی حاوی یافته‌های مهم و نتیجه پژوهش باشد و مؤلفین بایستی از کلی‌گویی و پرداختن به موارد حاشیه‌ای پرهیز کنند.

- کلیه جداول و نمودارها (در قالب ورد یا اکسل) جداگانه ارسال شود.

- تصاویر با پسوند JPG و وضوح ۳۰۰ dpi باشند و به صورت فایل‌های جداگانه ارسال شوند. حداکثر طول افقی تصاویر ۲۰ سانتی‌متر (برابر عرض دو ستون) باشد. در شماره‌گذاری فایل تصاویر از اعداد لاتین استفاده کنید. از ارسال تصاویر در فایل ورد پرهیز کنید.

- برای ارجاع به عکس، طرح و نقشه از واژه تصویر استفاده کنید. برای ارجاع به جداول و نمودارها نیز به ترتیب از واژه جدول و نمودار استفاده کنید.

- اسامی در تصاویر فارسی بوده و از ارسال نقشه یا تصویر با اسامی لاتین خودداری کنید.

- معادل لاتین اسامی و اصطلاحات به صورت پاورقی در همان صفحه آورده شود.

سیک ارجاع‌دهی بین‌المللی AAA: American Anthropological Association ارجاع کوتاه شامل نام خانوادگی نویسنده، سال نشر در صورت لزوم و شماره صفحه درون متن و رفرنس کامل در پایان مقاله

* لطفاً از آوردن منابع به صورت پانویس یا هر شکل دیگری خودداری فرمایید.

- ارجاع و منابع

- ارجاع به منابع فارسی و غیرفارسی در متن مقاله به شیوه زیر باشد:

(مجیدزاده ۱۳۸۶) یا (Renfrew 1982)

* لطفاً در صورتی که منبع مورد اشاره لاتین است مثلاً (Mofidi 2012B: 133)، درون متن هم، در ارجاع کوتاه به صورت لاتین ارجاع داده شود و از فارسی کردن ارجاع درون متن مثلاً (مفیدی ۲۰۱۲: ۱۳۳) خودداری کنید. تنها مقالاتی که در اصل فارسی هستند یا به ترجمه فارسی آنها ارجاع می‌دهید را در فرمت ارجاع کوتاه فارسی بنویسید.

- در صورت لزوم شماره صفحه یا طرح و عکس را پس از نام نویسنده و سال انتشار ذکر کنید. در مواردی که از عکس، شکل و یا طرح منتشرشده‌ای استفاده می‌کنید در انتهای زیرنویس و در داخل پرانتز نام منبع، سال انتشار و شماره صفحه را ذکر کنید.

در کتاب‌شناسی یا کتاب‌نامه، منابع را به ترتیب حروف الفبا (نام نویسنده نخست) ذکر کنید. ترتیب آن به صورت نام فامیلی، نام، سال انتشار، نام مقاله، نام مجله، شماره صفحات و در کتاب، پس از عنوان کتاب، محل نشر و سپس نام ناشر.

- مقاله در مجله

امیرلو، عنایت‌اله

۱۳۶۵ "نگاهی به فرهنگ‌های کهن سنگی ایران"، *باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۳۰-۱۳.

- مقاله در مجموعه مقالات

آذرنوش، مسعود

۱۳۵۴ "کاوش‌های گورستان محوطه سنگ شیر"، *گزارش‌های سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، آبان ماه ۱۳۵۳*، به کوشش فیروز باقرزاده، تهران، مرکز باستان‌شناسی ایران، صص. ۷۲-۵۱.

- کتاب

مجیدزاده، یوسف

۱۳۸۶ *تاریخ و تمدن/ایلام*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

- ترجمه کتاب

کلایس، ولفرام و پتر کالمایر

۱۳۸۵ *بیستون: کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۶۳*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، اداره کل امور فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

Abdi, K.

2003 "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4: 395-448.

Wright, H. T.m

1994 "Prestate Political Formations", In *Chiefdoms and Early States in the Near East: Organizational Dynamics of Complexity*, G. Stein and M. S. Rothman (eds.), 67-84, Madison: Prehistory Press.

Azarnoush, M.

1994 *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran*, Firenze, Le Lettere, Monografie di Mesopotamia.

فهرست مطالب

- نگاهی نو بر فناوری و گونه‌شناسی دست‌تراش‌های پارینه‌سنگی غار خر در بیستون، مجموعه موزه ملی ایران و دانشگاه
مونترال ۵
سونیا شیدرنگ
- مطالعه بقایای استخوانی جانوری مکشوفه از کاوش‌های تپه قصر دشت- فارس ۲۷
ساناز بیضائی‌دوست، مرجان مشکور، آزاده محاسب و محمدتقی عطائی
- تدفین شماره ۱۲ در چلو: گور بانویی نجیب‌زاده از تمدن خراسان بزرگ ۴۵
علی‌اکبر وحدتی، رافائله بیشونه، روبرتو دن، ماری-کلود ترموی
- بازسازی چرخه استحصال، تولید، توزیع و مصرف اشیاء فلزی در هفت تپه برای درک زندگی روزمره ساکنان شهر ۶۵
بابک رفیعی علوی
- خراج یا مالیات؛ شواهدی جدید از ساختار اقتصاد سیاسی ایران در دوره آغاز ایلامی بر اساس بازخوانی گل‌نبشته آغاز ایلامی
TY.11 تپه یحیی موجود در موزه ملی ایران ۸۳
سحر یزدانی و روح‌الله یوسفی زشک
- گونه‌شناسی و مقایسه تطبیقی سفال‌های گورستان قیطریه: بازنگری مجموعه موجود در موزه ملی ایران ۹۳
شراره فرخ‌نیا
- ترجمه پسوند hi در کتیبه لوح فهرست اهداء‌کنندگان گوسفند از بسطام در موزه ملی ایران ۱۲۹
مریم دارا
- یک تعویذ مصری در موزه ملی ایران ۱۳۵
کامیار عبدی
- مجسمه‌های پارسی (؟) در پرستشگاه‌های آپولو در قبرس ۱۴۳
فرزاد عابدی
- الگوی استقراری دشت نیشابور در دوره ساسانی ۱۶۱
میثم لباف خانیکی
- سکه بیزانسی یافت‌شده از کهنه‌تپه‌سی در شمال غرب ایران ۱۸۷
علی زلقی و سپیده مازیار
- مطالعات آزمایشگاهی بر روی ظروف موسوم به «فقاع» در موزه ملی ایران ۱۹۳
فرانک بحرالعلومی، لیلا خاموشی و ایرج بهشتی
- بازنگری محل انتساب هفت قطعه کاشی زرین‌فام در موزه ملی ایران؛ اطلاعات باستان‌شناختی تازه‌ای از دشت لار تهران ۲۱۱
محمد سپهر سیری و سعید امیرحاجلو

Contents

A Typo-technological Analysis of Lithic Assemblages from Ghar-e Khar Cave, Bisotun, Collections of Iran National Museum and Montreal University.....	5
<i>Sonia Shidrang</i>	
Study of Faunal Remains from Excavations of Tappeh Qasrdasht - Fars.....	27
<i>Sanaz Beizace Doost, Marjan Mashkour, Azadeh Mohaseb, Mohammad Taqi Atayi</i>	
Grave 12 at Chalow: The Burial of a Lady of the “Greater Khorasan Civilization”	45
<i>Ali A. Vahdati, Raffaele Biscione, Roberto Dan, Marie-Claude Trémouille</i>	
Acquisition, Production, Consumption, and Discard: Reconstruction of Operational Chain of Haft Tappeh Metal Artifacts for Understanding the Everyday Life of the City.....	65
<i>Babak Rafii-Alavi</i>	
Tribute or Taxation; New Evidence of the Structure of Iran’s Political Economy in the Proto-Elamite Period Based on a Proto-Elamite Tablet from Tepe Yahya: TY.11, Kept in Iran National Museum.....	83
<i>Sahar Yazdani and Rouhollah. Yousefi Zoshk</i>	
Typology and Comparative Studies on Qeytariyeh Ceramic’s collection, Iran National Museum.....	93
<i>Sharareh Farokhnia</i>	
The translation of -hi in the list of sheep donors from Bastam in Iran National Museum Collection.....	129
<i>Maryam Dara</i>	
An Egyptian Talisman in Iran National Museum.....	135
<i>Kamyar Abdi</i>	
The Persian (?) Sculptures in the Sanctuaries of Apollo in Cyprus.....	143
<i>Farzad Abedi</i>	
The Settlement Pattern of the Nishapur Plain in the Sasanian Period.....	161
<i>Meysam Labbaf-Khaniki</i>	
Byzantine Coin from Kohne Tepesi, Northeastern Iran.....	187
<i>Ali Zallaghi & Sepideh Maziar</i>	
Analysis of Sphero-conical Vessels, Fuqqa, from Iran National Museum.....	193
<i>Faranak Bahrouloli, Leila Khamoshi and Iraj Beheshti</i>	
Review of Seven Pieces of Luster Tiles in the National Museum of Iran; New Archaeological Finds from Lar Plain in Tehran.....	211
<i>Mohammad Sepehr Siri & Saeed Amirhajloo</i>	



Journal of Iran National Museum

Journal of Iran National Museum publishes research and reports: on all issues associated with museums and archaeology. It publishes two peer-reviewed issues per year in English and Persian.

The journal brings together curators, museum administrators, and archaeologists to present their research results about the museums and archaeology. Submissions must comply with the requirements set out in the instructions to contributors. The journal is open access and free to all individuals and institutions.

Peer Review Process: All manuscripts submitted to JINM go through a two-step double-blind peer review process (internal review and external review).

The external review is done by 2 to 4 experts in the related field. Following the external review, the authors are sent copies of the comments and are notified of the decision (accept as is, accept pending changes, revise and resubmit, or reject).

Publisher: Iran National Museum

Director in Charge: Jebrael Nokandeh

Editor in Chief: Yaghoub Mohammadifar

Associate Editor in Chief: Fereidoun Biglari

Manager: Omolbanin Ghafoori

Persian Literary editor: Yousef Hassanzadeh & Omolbanin Ghafoori

English Text Editor: Steve Renette

Editorial Board

Mohammad Hasan Talebian Alireza Hezhabri Nobari

Yaghoub Mohammadifar Mohammad Mortezaei

Alireza Khosrowzadeh

Mohammad Esmael Esmaceli Jelodar

Darius Akbarzadeh Cyrus Nasrollahzadeh

Omid Oudbashi Behrooz Omrani

Alireza Anisi

Scientific Adviser

Mehdi Rahbar Seyed Mohammad Beheshti

Ahmad Mohit Tabatabayi Mohammadreza Kargar

Kamyar Abdi Mohsen Javeri

Zohreh Rouhfar Haedeh Laleh

Sonia Shidrang Shahrokh Razmjou

Mohammad Hosein Azizi Kharanaghi

Yousef Hassanzadeh Ali A. Vahdati

Javad Hoseinzadeh Sadati Hossein Davoudi

Arash Milani Nia

International Editorial Board

Abbas Alizadeh Marjan Mashkour

Ali Mousavi Nima Nezafati

Vesta Sarkhosh Faranak Bahrololoumi

Karim Alizadeh Mohsen Zeidi

Cover Design: Design: Mousterian point on Levallois flake, intermediate Mousterian/Baradostian, Ghar-e Khar

Back Cover: Proto-Elamite tablet (TY.11), Tepe Yahya

مجله
موزه ملی ایران

Journal of

Iran National Museum

Vol. 1, No.1, Autumn 2020 and Winter 2021



Guide for Authors

Instructions to Contributors

All manuscript submissions to the Journal of Iran National Museum should be in a Word ".doc" file or in a Word-compatible file. The manuscripts should use Times New Roman 12 point font, and be double-spaced. Articles should not exceed 7,000 words excluding the title page, abstract, and bibliographic references.

The following information is required:

Cover letter including names, addresses, phone numbers and email addresses of the authors. Please also indicate the corresponding author.

200-word abstract

Keywords separated by semi-colons

The body of the paper, title page, references, tables, figure captions, and author notes should be combined in a single file, in both MS Word and PDF format.

Figures can be provided separately in JPG or TIF format and in high-resolution (at least 300 dpi) suitable for publication. Figures should be numbered and cited in the text.

Page numbers should be placed in the lower right corner of all pages. Manuscripts submitted to the Journal of Iran National Museum should not be currently under review by any other Journal or been made available in print or on the Internet.

Reference Style: AAA: American Anthropological Association (Short reference include name + date + page number inside text and full reference at the end of article)

* please do not use other style like footnote and etc.

Citation guidelines

Abdi, K.

2003 "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Mountains", *Journal of World Prehistory*, Vol. 17, No. 4: 395-448.

Wright, H.T.

1994 "Prestate Political Formations". In *Chiefdoms and Early States in the Near East: Organizational Dynamics of Complexity*, edited by G. Stein and M.S. Rothman, 67-84. Madison: Prehistory Press.

Daryace, T.

2009 *Sasanian Persia: The Rise and Fall of an Empire*, London: Tauris.

Cover design and Logo: Nina Rezaei

Contact us:

<http://jinm.irannationalmuseum.ir/>
irannationalmuseumjournal@gmail.com
www.irannationalmuseum.ir

Address:

No.1, Professor Rolin St., Siy-e Tir St., Emam Khomeini Ave, Tehran, Iran.

Phone: +98 021 66702061-5